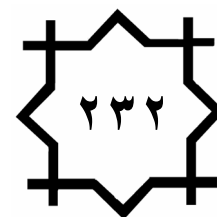


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه: هوسمی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، - ۴۵۵ ق.

عنوان و نام پدیدآور: الإبانة: کتاب الصلوة، کتاب الدعاوی والبینات، کتاب السیر / تألیف: ابوجعفر محمد بن یعقوب هوسمی، همراه با زوائدالإبانة / تألیف و تهذیب شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی؛ با مقدمهٔ محمد عمادی حائری.

مشخصات نشر: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۳۹۸ ص؛ ۴۳/۵×۲۹/۵ س م.

شابک: 978-600-5594-96-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.

یادداشت : عربی.

یادداشت : چاپ عکسی بخش‌هایی از نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲۳۵ مجموعهٔ امام جمعه خویی محفوظ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی کتابت قرن هشتم.

موضوع: فقه زیدی ناصری.

شناسهٔ افزوده: گیلانی، محمد بن صالح، قرن ۷-۸ ق.

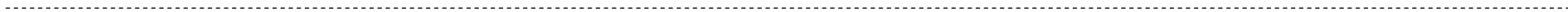
شناسهٔ افزوده: عمادی حائری، محمد، ۱۳۵۹- . ، مقدمه‌نویس.

شناسهٔ افزوده: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۸۹ الف ۹ ه / ۱۸۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۴۳

شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۲۲۱۸۳۸۵



کتاب الصلوة، کتاب الدعای والبیّنات، کتاب السیر

از

الإبانتة

تألیف

ابوجعفر محمد بن یعقوب هوسمی

(م ۴۵۵ ق)

همراه با

زوائد الإبانتة

تألیف و تهذیب

شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی

(زنده در حدود ۷۰۰ ق)

نسخه‌برگردان به قطع اصل از روی نسخه خطی نسخه شماره ۲۳۵ مجموعه امام جمعه خوبی

محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

(کتابت‌شده در قرن هشتم)

با مقدمه

سیّد محمد عمادی حائری



کتاب الصلوة، کتاب الدعای و البینات، کتاب السیر

از

الإبانة

تألیف ابو جعفر محمد بن یعقوب هوسمی (م ۴۵۵ ق)

همراه با

زوائد الإبانة

تألیف و تهذیب شمس الدین محمد بن صالح گیلانی (زنده در حدود ۷۰۰ ق)

با مقدمهٔ سیّد محمد عمادی حائری

صفحه‌آرا : محمود خانی

قلم‌های استفاده شده : لوتوس، یاقوت، Times

کاغذ مورد استفاده : گلاسه ۱۲۰ گرمی خارجی

شمارهٔ انتشار : ۲۳۲

ناظر چاپ : نیکی ایوبی‌زاده

چاپخانه : نقره آبی

لیتوگرافی : نقره آبی

صحافی : سیّاره

چاپ اول : ۱۳۸۹

شمارگان : ۲۰۰

بها : ۲۳۰۰۰۰ ریال

شابک : 978-600-5594-96-6

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه

و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی خیابان انقلاب،

مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین، طبقهٔ ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛

تلفن: ۶۶۹۶۴۱۲۱

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

ناصر اطروش (م ۳۰۴) در تاریخ عمومی جهان اسلام، جایگاه سیاسی، اجتماعی و دینی برجسته‌ای دارد. با جستجویی کوتاه در متون تاریخی، می‌توان به اهمیت او پی برد و از نقش وی در ایجاد یک تحول مهم در شمال ایران آگاه گردید. یکی از اقدامات مهم ناصر اطروش که مورخان بر آن اتفاق نظر دارند، بسط اسلام در میان دیلمیان شمال ایران است. برای نمونه، ابن‌خلدون به مسلمان شدن دیلمیان به دست ناصر اطروش اشاره می‌کند (کتاب/العبر: ۱/ ۲۵۱) و مخصوصاً دربارهٔ خاندان بویه می‌نویسد که آنان از زمان اسلام آوردنشان به دست اطروش شیعهٔ علوی شدند و هیچ‌گاه پیرو عباسیان نبودند (همان: ۳/ ۵۲۲). این البته به معنای آن نیست که پیش از آن مسلمانی در ناحیهٔ دیلم نبوده، اما گویای نقش خاص ناصر اطروش در گسترش اسلام در ناحیهٔ دیلم است که مردمان آن سال‌ها در برابر پذیرش اسلام مقاومت کرده بودند. نکتهٔ مهم دیگر دربارهٔ ناصر اطروش، ستایش وی به عنوان فرمانروایی عادل است. ابن‌خلدون در عباراتی که قاعده‌تاً از منابع کهن‌تر اخذ شده، ناصر اطروش را مردی نیک‌سیرت توصیف می‌کند که مانند او در روزگار دیده نشده است (همان: ۳/ ۴۵۸). ستایش امیران به عدالت نه صرفاً در متون معاصر آنان بلکه به صورت یک عبارت رسمی در منابع پسین، کمتر دیده می‌شود و این نکته که دربارهٔ اطروش به تکرار در منابع تاریخی آمده، نشانگر اعتباری است که وی از این جهت داشته است.

اما کتاب *الإبانه* چهرهٔ فقهی ناصر اطروش را که مورخان مطابق شیوهٔ معمول خود بدان توجهی نداشته‌اند ترسیم می‌کند. دربارهٔ تفکر فقهی ناصر اطروش و ویژگی‌های کلامی آن، در مقدمهٔ نسخه‌برگردان حاضر شرحی آمده است. آرای فقهی ناصر کبیر که پایهٔ فتاوای علمای زیدی شمال ایران از فرقهٔ ناصریه بوده، رنگ و بویی کاملاً زیدی دارد. تنها شگفتی آن است که نجاشی وی را چونان یک عالم امامی می‌شناساند، و البته این موضوع نیاز به کاوش‌های بیشتری دارد، چنانکه تحلیلی از این موضوع را در مقدمهٔ همین اثر می‌توان دید.

آنچه پیش‌رو دارید، بخش‌هایی است از *الإبانه* که اثر مشهوری در فقه ناصر اطروش به‌شمار می‌رود و می‌تواند مبنای مطالعه‌ای گسترده در فقه زیدی باشد. همراه چاپ نسخه‌برگردان بخش‌های منتخب، لوح فشردهٔ تصویر کامل نسخهٔ خطی *الإبانه* نیز عرضه شده که مورد استفادهٔ پژوهشگران خواهد بود. از محقق دانشمند جناب سید محمد عمادی حائری، برای پیشنهاد چاپ عکسی این کتاب و نگارش مقدمه‌ای ممتّع و راهگشا بر آن سپاسگزاریم. تردیدی نیست که تنها با چاپ و در اختیار گذاشتن این قبیل متون و نسخ مهم است که می‌توان زوایای تاریک تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی را نه تنها بر اساس آنچه در مرکز خلافت می‌گذشته، بلکه بر پایهٔ آنچه در حاشیه‌ها و مرزهای دنیای اسلام رخ می‌داده، شناخت و تحلیل کرد.

رسول جعفریان

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
۱. ناصر كبير و فقه ناصرى.....	۹
۲. ابوجعفر هوسمى و آثار او.....	۱۰
۳. الإبانة و شرح هوسمى بر آن.....	۱۰
۴. الإبانة و سه دستنویس دیگر: نسخه‌هایی از سنت مکتوب ناصریان شمال ایران.....	۱۱
۵. الإبانة: مقدمه، کتب و ابواب.....	۱۴
۶. جستجویی در الإبانة: روش، فوائد، نکته‌ها.....	۱۷
۷. منابع فقه ناصرى: الإبانة و آثار اصیل ناصر كبير.....	۱۹
۸. درسنامه فقه ناصرى: الإبانة، نگارش‌های پیرامونی و سنت آموزشی.....	۲۲
۹. زوائد الإبانة: گردآوری، تهذیب و توضیحات محمد بن صالح گیلانی.....	۲۲
۱۰. اشارتی در باب نسخه‌برگردان حاضر.....	۲۴
پیوست ۱: فصل فى تفاصيل العلماء من السادات و الفقهاء (نامنامه زوائد الإبانة).....	۲۵
پیوست ۲: نامنامه زوائد الإبانة به روایت عزالدین الهادى إلى الحق.....	۲۷
منابع و مراجع.....	۲۹

كتاب الصلوة.....	۱۱۷
باب القول فى مواقيت الصلوة.....	۱۱۷
باب القول فى الصلوة و ستر العورة و کیفیتها.....	۱۴۲
باب القول فى الإمامة.....	۱۶۳
باب القول فى الأحداث فى الصلوة.....	۱۹۸
باب القول فى قصر الصلوة و صلوة المغمى عليه.....	۲۲۶
باب القول فى صلوة الجمعة.....	۲۳۳
باب القول فى صلوة الخوف.....	۲۳۸
باب القول فى صلوة العیدین.....	۲۴۰

٢٤٤	باب القول فى صلوة الكسوف و الخسوف و الإستسقاء و صلوة التسبيح
٢٤٩	باب القول فى صلوة على الميّت و غسله و دفنه
٩٠٣	كتاب الدعاوى و البيّنات
٩٠٣	باب القول فى ادب القاضى
٩٢٩	باب القول فى الدعاوى و مراتب الحكومات
١٠٥٧	كتاب السير
١٠٥٧	باب القول فى صفة الإمام
١٠٦٧	باب القول فى السير فى الحروب
١٠٧٢	باب القول فى الأمان
١٠٧٥	باب القول فى الغنائم و قسمتها
١٠٧٩	باب القول فى الجزية

مقدمه

۱. ناصر کبیر و فقه ناصری

حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی^(ع) بن حسین^(ع) (ح ۲۳۰ در مدینه – ۳۰۴ در آمل)، ملقب به الناصر للحق و معروف به ناصر کبیر^۱ و ناصر أطروش^۲، از بزرگان زیدیه در طبرستان و دیلمان است^۳ و صاحب مکتبی فقهی – اعتقادی در شمال ایران که به نام وی «ناصریه» خوانده شده است.^۴ ناصر کبیر با وجود اشتغال به تبلیغ دین و کار سیاست و حکومت، مردی کثیرالتصنیف، شاگردپرور و اهل تدریس و تعلیم^۵ بود. زیدیان قاسمی او را از «علمای عترت» می‌شمردند؛^۶ اما زیدیان ناصری که منتسب به مکتب وی بودند، او را صاحب «دعوت»،^۷ «الإمام الأعظم الأکرم الإمام الناطق بالصدق»^۸ و «امام حق ناصر بزرگ»^۹ می‌دانستند و با تعبیر مخصوص «الناصر للحق علیه‌السلام» از او نام می‌بردند. تعلیمات اعتقادی و فقهی ناصر کبیر، با تعلیم قاسم بن ابراهیم رسی (۱۶۹–۲۴۶ ق) که زیدیان شمال ایران از قبل پیرو او بودند، تفاوت‌هایی داشت. همین تفاوت‌ها به ایجاد فرقهٔ ناصریه انجامید که پیروان آن بعدها منازعاتی نیز با زیدیان قاسمی داشته‌اند.^{۱۰} از سوی دیگر، تعلیم ناصر با کلام و مخصوصاً فقه امامیه قرابت‌هایی داشته؛^{۱۱} و حتی برخی از علمای متأخر امامیه^{۱۲} برآنند که او امامی‌مذهب بوده است.^{۱۳}

آرای فقهی ناصر کبیر، به طور خاص مورد توجه و استناد ائمه و علمای زیدی شمال ایران و مخصوصاً فقهای ناصری بود.^{۱۴} آنان به شرح و تنظیم و تبیین آرای فقهی او پرداختند و آثاری در باب نظرات فقهی وی تألیف کردند؛ همچون کتاب‌های زیر که همگی در قرن پنجم فراهم آمده‌اند: *کتاب الحاصر فی فقه الناصر* از المؤیدبالله ابوالحسین هارونی،^{۱۵} *کتاب الباهر [فی شرح نص الناصر]* از ابوالقاسم بستی،^{۱۶} *المعنی فی رؤوس مسائل الخلاف بین الامام الناصر للحق علیه السلام وسائر فقهاء أهل البيت علیهم السلام و فقهاء العامة* از علی بن پیرمرد لاهیجانی،^{۱۷} و مهمتر از همه *الایاتة* از ابوجعفر هوسمی.

از سوی دیگر، شریف مرتضی (م ۴۳۶) – فقیه و متکلم نامدار امامی که نوادهٔ دختری ناصر کبیر نیز بود – به نسخه‌ای که فتاوای فقهی ناصر در آن استخراج شده بود دست می‌یابد و به درخواست کسی، *الناصریات* را به منظور شرح و تبیین انتقادی آن اثر و بیان اشتراکات و اختلافات آرای فقهی ناصر با فقه امامیه و فقهای اهل سنت تألیف می‌کند.^{۱۸}

^[1] برای نمونه‌ای کهن از کاربرد این شهرت در متون امامیه، نک: شریف مرتضی، مسائل الناصریات: ۶۲–۶۳

^[2] برای نمونه‌ای کهن از کاربرد این شهرت در متون امامیه، نک: نجاشی، فهرست: ۵۷

^[3] دربارهٔ او و سوانح احوالش، نک: رضازاده لنگرودی ۱۳۸۸: ۲۶۸–۲۷۳

^[4] البته این فرقهٔ زیدی را که پایگاه آن دیلمان و گیلان بود نباید با فرقهٔ اسماعیلی «ناصریه» در طاخترستان (بدخشان و نواحی پیرامون آن در افغانستان کنونی) که به ناصرخسرو قبادیانی (م ۴۸۱) منتسب است اشتباه گرفت (دربارهٔ فرقهٔ ناصریهٔ منتسب به ناصرخسرو، نک: عمادی حائری ۱۳۸۲: ۵۸–۷۰؛ نیز: همو ۱۳۸۴: ۲۳۶–۲۳۷)

^[5] ناصر کبیر مدرسه‌ای در آمل بنا کرد که تا قرن هشتم برجا بود (رضازاده لنگرودی ۱۳۸۸: ۲۷۰–۲۷۱)

^[6] نک: دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶/ ۱۲۷، بند ۲۴؛ منقول از خط عزالدین الهادی إلى الحق امام زیدی یمن در قرن نهم

^[7] هوسمی، الإیاتة، هامش: ص ۱۰۸۳، حاشیهٔ پایین صفحه

^[8] همان‌جا

^[9] همان: ص ۴۱۱، حاشیهٔ بالای صفحه

^[10] مادلونگ ۱۳۷۷: ۱۴۴

^[11] همان: ۱۴۳؛ رضازاده لنگرودی ۱۳۸۸: ۲۷۱

^[12] نک: رضازاده لنگرودی ۱۳۸۸: همان‌جا

^[13] رضازاده لنگرودی (همان‌جا) نوشته است که شریف مرتضی (م ۴۳۶؛ نوادهٔ دختری ناصر کبیر) نیز ناصر را امامی‌مذهب معرفی کرده است؛ اما از نوشتهٔ شریف مرتضی در مقدمهٔ مسائل الناصریات به هیچ وجه چنین چیزی استنباط نمی‌شود و در آن تنها از علم و زهد و فقاہت ناصر، کوشش وی در نشر اسلام در ناحیهٔ دیلم و هدایت دیلمیان، و سیرت نیکوی او سخن رفته است (شریف مرتضی، مسائل الناصریات: ۶۳). افزون بر این، عبارت پایانی مقدمهٔ شریف مرتضی (همان: ۶۴: «... ایضاح الحق منها») و متن کتاب که به بیان صحت و موافقت آرای فقهی ناصر با فقه امامیه (برای نمونه: همان: ۶۷) و یا اختلاف با آن می‌پردازد، خود گواه آن است که وی ناصر را امامی‌مذهب نمی‌دانسته است. در عبارت نجاشی (م ۴۵۰) نیز تنها از اعتقاد ناصر به «امامت» سخن رفته است (نجاشی، فهرست: ۵۷)، و نه از امامی‌مذهب بودن او در معنای خاص آن. البته می‌دانیم که ناصر کبیر با ائمهٔ امامیه (ع) مصاحبت داشته (نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۱، پانویشت ۴؛ ۲۶)؛ اما از سوی دیگر دانسته است که وی وجود فرزندی برای امام حسن عسکری(ع) را منکر بوده (نک: هوسمی، الإیاتة، هامش: ۱۰۶۷؛ نیز: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۲، پانویشت ۴) و آموزهٔ غیبت را از اساس ردّ می‌کرده است (نک: هوسمی، الإیاتة، هامش: ۱۰۶۷). با این همه، ناصر روابطی نسبتاً حسنه با امامیه داشته است. در هامش نسخهٔ الإیاتة نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس در ضمن یک مسئله آمده است: «الناصرللحق ع لم یکفرهم [=الإمامیة]، کما قال م‌بالله: الناصرللحق ع قبل روايتهم لأنّه لم یثبت عنده قدحهم، و هذا الصریح منه بأنّ الناصرللحق ع لم یکفرهم و من قال بخلاف ذلک سها» (هوسمی، الإیاتة، هامش: ص ۴۱۱). این عبارات نشان می‌دهد که دست کم ناصریان متقدم به حسن نظر ناصر کبیر به امامیه اذعان داشته‌اند. متن کامل این مسئله را در بخش ۹ همین مقدمه خواهیم آورد. برای اعتقاد ناصر دربارهٔ ائمهٔ امامیه، نیز نک: هوسمی، الإیاتة: ص ۱۰۶۰، که بنابر آن ناصر به اعلمیت امام جعفر صادق(ع) نسبت به زید بن علی اذعان می‌کند؛ گو اینکه زید را افضل می‌شمارد.

^[14] شریف مرتضی (مسائل الناصریات: ۶۳) به فضل فقهی ناصر در کنار زهد و علم بسیار او تصریح می‌کند

^[15] نک: انصاری ۱۳۸۶

^[16] نک: پیوست ۱، حاشیهٔ دوم بند ۶؛ نیز: مادلونگ ۱۳۷۶: ۴۰۲

^[17] نک: همان، بند ۵؛ نیز: سزگین ۱۳۸۰: ۱/ ۸۲۴

^[18] شریف مرتضی، مسائل الناصریات: ۶۱

۲. ابوجعفر هوسمی و آثار او

ابوجعفر محمد بن یعقوب قرشی هوسَمی (م ۴۵۵)، از فقهای بزرگ ناصری و قاضیِ دستگاهِ الناطقِ بالحق ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م ۴۲۴) است. بنابر نقل منابع، سلسلهٔ تعلیم وی با سه واسطه به ناصر کبیر می‌پیوندد. از استادان او یحیی بن حسین هارونی و علی بن حسین اِبری ایوازی را نام برده‌اند و از جملهٔ شاگردانش به فرزند وی، ابویوسف یعقوب،^۱ اشاره کرده‌اند.^۲ خاکجای ابوجعفر در هوسَم (رودسر کنونی) است.^۳ از هوسمی فرزندی با کنیه و نام «ابویوسف یعقوب» بر جای ماند که شاگرد پدر، از علمای نامدار ناصری و ملقَّب به «استاد» بود و تألیفاتی همچون *التعلیق الكبير علی الإِبَانَة* و *الجوابات* داشت.^۴

هوسمی در میان فقهای ناصری با عنوان «شیخ» شناخته می‌شد؛^۵ که اطلاق این عنوان به وی گواه جایگاه ویژهٔ او نزد آنان است. از سوی دیگر، عزالدین الهادی إلی‌ الحق (۸۴۵–۹۰۰ ق) – امام زیدی یمن از شاخهٔ قاسمیه – از ابوجعفر هوسمی در زمرهٔ کسانی که به تهذیب مذهب ناصر پرداختند و آن را گسترش دادند نام می‌برد،^۶ از وی با عنوان «الشیخ العلامة» یاد می‌کند،^۷ و *الإِبَانَة* او را را به عنوان «کتاب جلیل»^۸ و *الکافی* وی را با صفت «کتاب بلیغ»^۹ می‌ستاید؛ همچنان‌که فقیه محمد بن سلیمان، هوسمی را «محقق مجتهد» می‌خواند.^{۱۰} این تعابیر و توصیفات، آن هم از سوی ائمه و علمای یک فرقهٔ رقیب، البته قابل اعتناست.

تا کنون از پنج اثر ابوجعفر هوسمی باخبریم: *الإِبَانَة*، شرح آن (یا: شروح آن: شرح کبیر / متوسط / صغیر)^{۱۱} و *الکافی* (شرح *الوافی* علی بن بلال آملی)^{۱۲} در علم فقه؛ *تعلیق العمَد* (شاید تعلیق‌ه‌ای بر *العُمَد* قاضی عبدالجبار همدانی) در اصول فقه؛^{۱۳} و *اصول الدیانات* در دانش کلام.^{۱۴} جز اینها، عبدالسلام وجیه از کتابی با عنوان *الإِحاطَة بمذهب السادة* نام برده و آن را به هوسمی نسبت داده است.^{۱۵} در میان این‌آثار، *الإِبَانَة* البته از همه مشهورتر است.^{۱۶}

۳. الإِبَانَة و شرح هوسمی بر آن

دانش‌پژوه *الإِبَانَة* را به درستی از ابوجعفر هوسمی دانسته (هرچند به احتمال و با تعبیر «گویا»؛^{۱۷} اما سزگین به اشتباه *الإِبَانَة* را به ناصر اطروش نسبت داده است.^{۱۸} تردید نباید کرد که *الإِبَانَة* تألیف ابوجعفر هوسمی است؛^{۱۹} اما شرح *الإِبَانَة* – که در هامش نسخه‌های *الإِبَانَة* کتابت شده – از کیست؟ ابراهیم بن قاسم شهباری،^{۲۰} جنداری،^{۲۱} دانش‌پژوه (البته با تردید)^{۲۲} و سزگین،^{۲۳} شرح *الإِبَانَة* را به هوسمی نسبت داده‌اند؛ و جالب‌تر آنکه ابراهیم بن قاسم از سه شرح «کبیر» و «صغیر» و «متوسط» هوسمی بر *الإِبَانَة* یاد کرده است.^{۲۴}
با توجه به تصریح هوسمی در متن *الإِبَانَة*، تردیدی نمی‌ماند که وی خود مؤلف شرحی بر *الإِبَانَة* است؛ آنجا که هوسمی به شرح خود بر *الإِبَانَة* اشاره می‌کند و بدان ارجاع می‌دهد: « … و بیانہ یأتی فی الشرح».^{۲۵} بنابر عبارت مذکور، باید گفت هوسمی به هنگام تألیف *الإِبَانَة* شرحی نیز بر آن می‌نگاشته و یا دست کم در اندیشهٔ نگارش چنین شرحی بوده است؛ شرحی همچون توضیحاتی که امروزه مؤلفان و محققان در پانوشت‌های متن اثر خود می‌آورند.

- پیداست که هوسمی نام پدر خود را بر فرزندش نهاده است.
- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۳.
- نک: پیوست ۱، حاشیه نخست بند ۶، که می‌نویسد قبر او در هوسم در قرون هشتم و نهم مشهور بوده است؛ ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۳. ظاهراً تولد و نشو و نمای او نیز در هوسم بوده است. هوسم، پایگاه زیدیان ناصری بود.
- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۳ / ۱۲۷۲. از ابویوسف یعقوب به عنوان یکی از «اعیان ناصریه» نام برده (دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۷، بند ۲۵) و با تعابیر جلیل و فاضل و کامل او را ستوده‌اند (ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۳ / ۱۲۷۲). جنداری (۱۴۲۴: ۹) شیخ ابوطالب که مؤلف کتابی با عنوان *التفریعات* بوده را هم فرزند هوسمی دانسته که اشتباهی بیش نیست، و فرد یادشده شیخ ابوطالب سولشی است که ذکر او در نامنامهٔ *زوائد الإِبَانَة* رفته است (نک: پیوست ۱، بند ۵ و حاشیهٔ نخست همان‌جا).
- بنابر نامنامهٔ *زوائد الإِبَانَة*، منظور از تعبیر «شیخان» [در *زوائد الإِبَانَة*] ابوجعفر هوسمی و ابوالقاسم بستی هستند هنگامی در مسأله‌ای اتفاق نظر داشته باشند (پیوست ۱، بند ۶؛ قس: پیوست ۲، بند ۳، که عنوان «شیخ» – در *زوائد الإِبَانَة* – را ویژهٔ هوسمی معرفی می‌کند).
- دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۷، بند ۲۴.
- همان‌جا.
- همان‌جا.
- همان‌جا: بند ۲۵.
- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۳.
- دربارهٔ *الإِبَانَة* و شرح هوسمی بر آن، پس از این سخن خواهیم گفت.
- همان: ۲ / ۱۱۱۴؛ جنداری ۱۴۲۴: ۳۱، ۳۷ (که می‌نویسد این کتاب در دو جلد است)؛ سزگین ۱۳۸۰: ۱ / ۸۲۳. در حواشی هامش *الإِبَانَة* منقولاتی از این کتاب و نیز استنادهایی بدان – با عباراتی همچون «قال الشيخ فی *الکافی*» در آغاز – هست (برای نمونه، نک: هوسمی، *الإِبَانَة*، هامش: ص ۳۰۲، ۳۷۹، ۴۱۱، ۵۵۷، ۵۹۵، ۸۶۴، ۹۳۵، ۹۶۳، ۹۶۹، ۹۸۱). *الکافی* با عناوین *جامع* و *الجامع الکافی* نیز شناخته می‌شده است (نک: هوسمی، *الإِبَانَة*، هامش: ص ۵۸۹: « … علی ما ذکره الشیخ فی جامعه»؛ همان: ص ۱۰۴۵: «و فی *الجامع الکافی* عن زید بن علی ع و محمد بن منصور المرادی و كذلك عن جعفر الصادق ع …»؛ نیز نک: جنداری ۱۴۲۴: ۳۷: «محمد بن یعقوب الهوسمی … صاحب التصانیف، منها … *الکافی* … ، و يقول فيه: قال الإمام – یعنی اباطالب – و له الجامع هذا»). عنوان «جامع» را – که در قرون متقدم برای کتب فقهی (حلال و حرام) به کار می‌رفته – باید صفتی برای کتاب *الکافی* دانست. جنداری (همان‌جا) *الکافی* را به عنوان اثری نیکو و کامل می‌ستاید، آن را کتابی فقهی که خالی از ذکر ادلهٔ است معرفی می‌کند و مخصوصاً به منقولات هوسمی از ابوطالب هارونی (با تعبیر: «قال الإمام») در کتاب مذکور توجه می‌دهد.
- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۴ (در متن چاپی: *تعلیق العمدة*). به نظر می‌رسد که در صحت انتساب این اثر به هوسمی باید تردید کرد.
- همان‌جا (با عنوان *کتاب اصول الدیانات*)؛ جنداری ۱۴۲۴: ۳۷ (با عنوان *کتاب الدیانات*). در حواشی هامش *الإِبَانَة* مطلبی از این کتاب – در باب اصالت یکی از آثار منتسب به ناصر کبیر – نقل شده است: «ذكر الشيخ فی *الديانات*: إنّ *کتاب العلل* من تمویّهات الإمامیه و اوضاعهم و الناصر للحق ع بریء السّاحه عن ذلک». (نک: هوسمی، *الإِبَانَة*، هامش: ص ۱۳۱). بنا بر یکی از مکتوبات زیدی، همین مطلب را ابوالفضل بن شهردویر (مؤلف *تفسیر کتاب‌الله*) نیز با انتساب به ابوجعفر هوسمی نقل کرده است (با این عبارت: «وکتّاب العلل، قال الشیخ ابوجعفر: إنّ *کتاب العلل* من دسیس الملاحدة والناصر للحق – علیه السلام – برئ عنه؛ وهکذا ذکر أبوالفضل بن شهردویر بن یوسف. قال محمد بن صالح: لا بأس بأن ينسب الیه وإن کانت الشرايع لیست معلّلة معلّۀ»؛ نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۷، پانوشت ۵). حاشیه‌ای از شمس‌الدین محمد بن صالح بر عبارت مذکور (هوسمی، *الإِبَانَة*، هامش: ص ۱۳۱) در هامش *الإِبَانَة* (همان‌جا)، اما با ذیل منقول از محمد بن صالح در مکتوب زیدیِ مورد اشاره یکی نیست. در حواشی هامش *الإِبَانَة*، منقولات دیگری نیز از *اصول الدیانات* (با همین عنوان) هست (برای نمونه، نک: هوسمی، *الإِبَانَة*، هامش: ص ۱۰۵۹، ۱۰۶۰). جنداری می‌نویسد در *کتاب الدیانات* روایات غریبی است که هیچ‌کس آن را نمی‌پذیرد (جنداری ۱۴۲۴: ۳۷).
- وجیه ۱۴۲۲: ۱ / ۴۹۷. نسخهٔ خطی این اثر – همراه با رساله‌ای دیگر – در یکی از کتابخانه‌های زیدیان یمن نگهداری می‌شود (نک: همان‌جا).
- ابراهیم بن قاسم شهباری در قرن ۱۲ می‌نویسد که *الکافی*، *الإِبَانَة* و شرح آن، از کتب اصلی در میان کتاب‌های زیدیه است (ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۴).
- دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۳۱۸، ستون ۲.
- سزگین ۱۳۸۰: ۱ / ۸۲۴.
- نک: پیوست ۱، حاشیهٔ نخست بند ۶؛ پیوست ۲، بند ۳؛ نیز: ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۳ / ۱۲۹۰؛ دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۷، بند ۲۴.
- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۳، ۳ / ۱۲۹۰.
- جنداری ۱۴۲۴: ۱۷، ۳۷.
- دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۳۱۸، ستون ۲، نیز: ۳۱۹، ستون ۱، به نقل از صلاح‌الدین منیجّد.
- سزگین ۱۳۸۰: ۱ / ۸۲۴؛ نیز نک: همان: ۸۳۱/۱، که نسخه‌ای با عنوان *الشرح فی الفرائض* را به هوسمی نسبت می‌دهد که قاعدتاً بخشی از همان شرح *الإِبَانَة* است.
- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲ / ۱۱۱۴.
- هوسمی، *الإِبَانَة*: ص ۱۰۲۸. در هامش همین صفحه، نوشتهٔ هوسمی در بیان موضوع مورد بحثْ درج شده است: «و ذکر الشیخ فی الشرح …».

اما با اندکی دقت در حاشیه‌های هامش نسخه‌های *الإبانه* (دستِ کم دستنویس‌های مجلس، دانشگاه، مرعشی که پس از این به آنها اشاره خواهیم کرد) می‌توان پی برد که همهٔ شرح‌ها و حاشیه‌هایی که در هامش متن *الإبانه* کتابت شده، از هوسمی نیست و این شروح و حواشی حاصل بیان و بنان جمعی از علمای ناصریِ شمال ایران است که برخی از آنها خود شرح یا تعلیقه‌ای مستقل بر *الإبانه* نوشته‌اند.^۱ پس از این (در بخش ۹ همین مقدمه) خواهیم دید که حواشیِ مندرج در هامش نسخه‌های مجلس و دانشگاه مجموعه‌ای است از شروح و تعلیقات علمای ناصری بر *الإبانه*، که شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی در اواخر قرن هفتم آنها را به یک رشته کشید و توضیحات و انتقاداتی از خود بدان افزود و مجموع آن شروح و تعلیقات و این توضیحات و انتقادات، «زوائد الإبانة» نام گرفت.^۲

در حواشی و تعلیقاتِ هامش *الإبانه*، از شرحی با انتساب آن به «شیخ» و با ذکر تعابیری همچون «قال الشيخ فی الشرح»،^۳ «ذكر الشيخ فی الشرح»،^۴ «فذكر الشيخ فی الشرح»،^۵ به تکرار نقل قول شده است.^۶ با توجه به آنکه عنوان «شیخ» در حاشیه‌های هامش *الإبانه* مخصوص هوسمی است،^۷ قاعدتاً باید این منقولات را از شرح هوسمی بدانیم.^۸ ولی در یکی از این پاره‌های منقول از شرحِ شیخ، عبارتی هست که رخنهٔ تردید در این استنباط می‌افکند؛ و آن اینکه مؤلفِ شرحِ رأی ابوالفضل بن شهردویر دیلمی (مؤلف تفسیر *کتاب/الله*، عالم ناصریِ نیمهٔ قرن هفتم)^۹ را در یک موضوع کلامی نقل و سپس رد می‌کند.^{۱۰} بر این اساس، این احتمال مجال طرح می‌یابد که شاید این منقولات از شرح محمد بن صالح باشد^{۱۱} و در این موارد منظور از «شیخ»، نه ابوجعفر هوسمی بلکه محمد بن صالح است.

حلّ دقیق این مسأله و کشف هویتِ شیخِ صاحب شرح، بررسی و جستجویی افزون‌تر را طلب می‌کند، اما – با توجه به سیاق مجموعِ حاشیه‌های هامش متن *الإبانه* – به سختی می‌توان پذیرفت که «شیخ» صاحبِ «شرح» کسی جز ابوجعفر هوسمی باشد. در هر حال، حتی اگر تنها بخشی از حواشی منتسب به «شیخ» و «شرح» او هم از هوسمی باشد – حال آنکه ظاهراً بیشتر آنها از اوست –، باید بگوییم که بر پایهٔ این منقولاتِ شرح هوسمی تا قرن هفتم موجود و مورد استفادهٔ فقهای ناصری بوده و از طریق منقولات مذکور بخش قابل توجهی از شرح هوسمی برای ما محفوظ مانده است.

۴. الإبانة و سه دستنویس دیگر: نسخه‌هایی از سنت مکتوب ناصریان شمال ایران

برخلاف زیدیان قاسمیِ شمال ایران که با انتقال به یمن حیات اعتقادی و فرهنگی خود را استمرار بخشیدند، ناصریان در ایران باقی ماندند تا آنکه اندک اندک در میان امامیه استحاله شدند و ظاهراً پس از قرن دهم به کلی از میان رفتند.^{۱۲} البته برخی متون زیدیان ناصری به یمن منتقل شد، اما سنت علمی آنان با انقراضشان در شمال ایران از میان رفت. *الإبانه* متنی است از سنت مکتوب زیدیان ناصری در شمال ایران؛ سنتی که به گواهیِ نسخ خطیِ باقی‌مانده، تا قرون نهم و دهم در غرب مازندران و شرق گیلان پابرجا بود.^{۱۳} *الإبانه* – همراه شروح و تعلیقات آن در هامش – اثری پر نسخه بوده و دستنویس‌های آن به عنوان یک متن آموزشی در میان علما و طالب‌علمان ناصری شمال ایران دست به دست می‌گشته است. بنابر شواهد موجود، پس از قرون نهم و دهم برخی از این دستنویس‌ها از شمال ایران به دیگر نواحی (مانند یمن و شهرهای مرکزی ایران) منتقل شد. افندی (م ح ۱۱۳۰ ق) تأکید می‌کند که نسخه‌هایی از این کتاب را در اصفهان و شهرهای دیگر دیده است.^{۱۴}

همینک نیز نسخه‌های متعددی از *الإبانه* – همراه با شروح و تعلیقات آن در هامش – باقی مانده است. سوای نسخه‌هایی که سزگین به آنها اشاره کرده^{۱۵} و دستنویس‌هایی که نزد زیدیان یمن محفوظ است،^{۱۶} دستِ کم سه نسخهٔ دیگر از *الإبانه* – همراه با شروح و تعلیقات در هامش – در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود:^{۱۷}

- همانند تعلیقه‌های مستقل «استاد ابویوسف یعقوب» و شاگرد او «فقیه ابوعلی» (نک: بخش ۸ همین مقدمه).
- مادلونگ (۱۹۸۷: ۱۳، پانوشث ۵) نیز بر پایهٔ رؤیت نسخهٔ *الإبانه* کتابخانهٔ مجلس (یا تصویر آن)، تصریح می‌کند که حواشی مندرج در هامش این نسخه، شرح هوسمی بر *الإبانه* نیست بلکه احتمالاً از *زوائد الإبانة* شمس‌الدین محمد گیلانی است که در حدود سال ۷۰۰ زنده بود.
- برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبانه*، هامش: ص ۳۲، ۹۵، ۱۱۶، ۱۳۶.
- برای نمونه، همان: ص ۳۵، ۱۱۳.
- برای نمونه، همان: ص ۵۸–۵۹، ۷۸، ۸۷، ۱۲۰، ۱۲۵؛ نیز: ص ۱۰۹: «الشیخ – رحمه الله – ذكره فی الشرح».
- در مواردی نیز قول «شیخ» بدون اشاره به «شرح» نقل شده است (تنها برای نمونه، نک: همان: ص ۴۶۴، ۵۶۳، ۶۰۵).
- افزون بر پیوست ۲، بند [۳]، نک: هوسمی، *الإبانه*، هامش: برای نمونه، ص ۱۰۹: «و ذکر الفقیه شهرآشو و الفقیه صیرفی أنّ فی کلام الشیخ اشارهٌ إلى ...»، که در توضیح بخشی از متن *الإبانه* آمده و پیداست که منظور از «شیخ» در این عبارت هوسمی است.
- مخصوصاً با توجه به عبارتی از این دست: «هذا کلام الشیخ ... و حملة الشیخ فی الشرح ایضاً ...» (همان: ص ۱۰۰) و «هذا تصریح ... و مثله ذکر فی شرح *الإبانه*» (همان: ص ۱۰۶۰)، که به روشنی «شرح» را از «شیخ» مؤلفِ کتاب *الإبانه* معرفی می‌کند.
- همین‌جا باید یادآور شوم که من به تبع اطلاعات آقابزرگ طهرانی در ذریعه، ابوالفضل بن شهردویر را از علمای زیدی اواخر قرن هشتم قلمداد کرده بودم (نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۷، و صفحهٔ عنوان نسخه‌برگردان تفسیر *کتاب/الله*)، اما تبعات تازهٔ آقای حسن انصاری در اسناد و منابع زیدی نشان می‌دهد که «ابوالفضل عباس بن شهردویر» را باید از علمای زیدی «نیمهٔ قرن هفتم» به شمار آورد (نک: انصاری ۱۳۸۹).
- هوسمی، *الإبانه*، هامش: ص ۱۰۶۰: «قال الشیخ فی الشرح: باتفاق الشیعه لا فرق بین العامی و العالم فی وجوب امامه امیرالمؤمنین علی ع، إلا ابالفصل بن شهردویر (اصل: شهروین) فی المتأخرین جعل وجوبها علی العلماء دون العوام لأنّها مبنیة علی معرفة اللغة و العامی لا يعرفها. قال الشیخ: لا معنى لهذا التعلیل لأنّ القدر الواجب علی العامی یمکن أن یرعف و یرتقد علی الجملة و إن لم یرعف تفاصیل اللغة».
- مخصوصاً با این قیاس که در مواردی دیگر نیز قول ابوالفضل بن شهردویر مورد نقد محمد بن صالح قرار گرفته است (نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۷، پانوشث ۵).
- نک: مادلونگ ۱۳۷۷: ۱۴۸.
- نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۲۳، در بحث از محدودهٔ نسخه‌های تفسیر دو جلدی مفسر و متکلم ناصری‌مذهب، ابوالفضل بن شهردویر دیلمی.
- افندی، *ریاض العلماء*: ۱/ ۲۸۰.
- سزگین ۱۳۸۰: ۱/ ۸۲۴.
- وجیه ۱۴۲۲: ۱/ ۲۹۹، ۴۹۷.
- جز سه نسخهٔ مجلس، دانشگاه و مرعشی که از آنها یاد خواهیم کرد، نسخه‌ای در کتابخانهٔ نمازی خوی (به شمارهٔ ۶۱۶/ ۲: رسالهٔ ۲ از مجموعهٔ ش ۶۱۶ شامل سه رساله) هست که صدرایی خویی آن را با عبارت «به احتمال زیاد کتاب *الإبانه*» معرفی کرده است (صدرایی خویی ۱۳۷۶: ۳۲۷)، اما با توجه به مقدمهٔ اثر و فهرست عناوین ۴۰ باب کتاب (نک: همان: ۳۲۷–۳۲۹) باید گفت که این کتاب *الإبانه* نیست؛ گو اینکه یک متن فقهی زیدی – به ظنّ قریب به یقین از ناصریان متأخر شمال ایران – است. بنابر مقدمهٔ اثر (همان: ۳۲۹: «اما بعد، فقد جعلنا الله و إیاکم اخوانی ... إنا قوم أدرکنا الإختلاف و لم ندرک الإئتلاف فخشینا علی أنفسنا الهلکة ... فأحببت أن أوّلف کتاباً لطیفاً جامعاً خفیفاً و اذکر فیه من کلّ شیء مما جاءت الأخبار عنه و صحّت و شهرت فی اصول شرایع الدین ... فکان سبب تألیف کتابنا هذا أنّ محبّی شیعة آل محمد الذین هم بهذه الناحیه تعذّر علیهم طلب ما وجب علیهم ...»)، این متن به منظور رفع نیاز شرعی برادران دینی در ناحیه‌ای خاص و از بیم آنکه اختلافِ میان ایشان به هلاکت بینجامد، در اصول شرایع دینی و بر پایهٔ روایات صحیح و مشهور ناصر کبیر تألیف شده است. هر باب از کتاب – همانند باب‌های *الإبانه* – با عبارت «قال ناصرللحق ع» آغاز می‌شود (همان: ص ۳۲۷). چهار باب نخست به مسائل کلامی و اعتقادی اختصاص دارد و سپس چند باب فقهی در موضوع معاملات آمده، و از باب دهم میحث طهارت (وضو و تیمم) آغاز شده است. ترتیب ابوابِ آغازین کتاب منطقی و بنابر نظم فقهی نیست و ظاهراً دستنویس حاضر بر اساس یک نسخهٔ آشفته کتابت شده است. با توجه به دو رسالهٔ دیگر مجموعه (رسالهٔ ۱: *توفیق التطبيق فی اثبات مذهب الشیخ الرئيس* از علی بن فضل‌الله گیلانی تونی؛ رسالهٔ ۳: *الوجیزة* از محمدباقر مجلسی)، پیداست که این دستنویس متعلق به سنت مکتوب ناصریان شمال ایران نیست، بلکه کاتبی امامی‌مذهب متن مورد بحث را از یک مجموعهٔ زیدی برگرفته و استنساخ کرده است. تصویری از این نسخه در مرکز احیاء میراث اسلامی (قم) نگهداری می‌شود (به شمارهٔ ۹۴۸) و فهرستنویس آن مرکز هم – به پیروی از صدرایی خویی – کتاب را با قید احتمال *الإبانه* معرفی کرده است (نک: حسینی اشکوری ۱۳۸۰: ۳/ ۱۷۰–۱۷۲).

۱. نسخه شماره ۲۳۵ مجموعه امام جمعه خویی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: کتابت حدود قرن ۸؛ به خط نسخ؛ ۱۰۸۸ صفحه [۵۴۴ برگ]؛ ۲۵×۴۲ سم.^۱
۲. نسخه شماره ۶۶۲۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: کتابت قرن ۹-۱۰؛ به خط نسخ؛ [۹۷۸ صفحه] ۴۸۹ برگ؛ ۲۲×۳۰ سم.^۲
۳. نسخه شماره ۹۱۸۹ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابت شاید قرن ۱۰؛ به خط نسخ؛ [۶۴۰ صفحه] ۳۲۰ برگ؛ ۲۳×۳۰ سم.^۳



آغاز الإبانة، نسخه شماره ۶۶۲۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

بسیاری از نسخه‌های موجود *الإبانة* (با حواشی و تعلیقات آن در هامش) در چند مجلد کتابت و تجلید شده‌اند؛^۴ اما در نسخه‌های مجلس و دانشگاه سراسر متن *الإبانة* (با شروح و تعلیقات آن در هامش) در یک مجلد فراهم آمده، و نسخه مرعشی نیز ظاهراً در اصل چنین بوده است. از میان سه نسخه مجلس، دانشگاه و مرعشی، نسخه مجلس از آغاز یکی دو برگ افتادگی دارد و از انجام کامل است؛ نسخه دانشگاه از آغاز کامل است و از انجام آن نیز بیش از یک برگ افتاده نیست؛^۵ اما نسخه مرعشی که به شکلی بس آشفته و نامرتب تجدید صحافی شده و برخی برگ‌های آن ننویس است، هم از آغاز و هم از انجام دچار افتادگی است.

۱. حائری ۱۳۴۶: ۷/ ۳۸۴-۳۸۸ در نوشته حائری (همان: ۷/ ۳۸۸) قطع نسخه ۴۰×۲۶ سم قید شده است. حائری متن کتاب را نیز به خط «ثلث درشت» و حواشی هامش آن را به خط «نسخ» دانسته (همان: ۷/ ۳۸۵)، اما چنانکه در بالا آورده‌ایم، متن کتاب و حواشی هامش آن هر دو به خط نسخ است، ولی متن به خط نسخ درشت است و حواشی به خط نسخ ریز. حائری (همان‌جا) در وصف نسخه همچنین نوشته است که «چند برگ اول وصالی شده و رنگ‌رفته است و به درستی خوانده نمی‌شود». باید افزود که ترتیب برگ‌های نخستین نسخه مجلس به هم خورده و در ترمیم و صحافی دوباره نسخه دچار جابجایی گردیده، اما این پریشیدگی و آشفته‌گی از چند برگ نخست نسخه (ص ۱-۹) تجاوز نمی‌کند. گفتنی است متن *الإبانة* در ص ۱۰۸۳ نسخه پایان می‌یابد و صفحات پایانی نسخه (ص ۱۰۸۶-۱۰۸۸) یکسره به حواشی و تعلیقات اختصاص یافته است. همین‌جا باید یادآوری کرد که حائری (همان: ۷/ ۳۸۴-۳۸۵) *الإبانة* و مؤلف آن را نشناخته و کتاب را با نام «الناصریات» و مؤلف آن را با تردید «سیف‌الدین حسن المنصور بالله بن بدرالدین محمد بن یحیی ... که در ۶۷۰ درگذشته»، معرفی کرده است. دانش‌پژوه (۱۳۵۷: ۱۶/ ۳۱۸-۳۱۹) و مادلونگ (۱۹۸۷: ۱۳، پانوش ۵) پیش‌تر به این اشتباه حائری اشاره کرده‌اند.
۲. دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶/ ۳۱۴-۳۱۹.
۳. حسینی ۱۳۷۳: ۲۳/ ۳۰۰-۳۰۱ (حسینی تعداد برگ‌های نسخه ۳۱۹ قید کرده، اما صحیح همان ۳۲۰ برگ است که در بالا آورده‌ایم). حسینی (همان: ۲۳/ ۳۰۰) درباره این نسخه همچنین می‌نویسد که «این نسخه از آغاز و انجام افتاده و برگ‌ها در هم صحافی ... [و] وصالی شده است». به مشخصات یادشده، این نکته مهم را باید افزود که برگ‌های آغاز و انجام این نسخه - در شکل کنونی - ننویس است. این بخش‌های ننویس، از قرن یازدهم یا دوازدهم قدیمتر نیست و خط و ساختار کتابتی آنها با خط و ساختار برگ‌های کهن‌تر نسخه (که دقیقاً مطابق با سنت کتابتی ناصریان شمال ایران است) کاملاً متفاوت است. با توجه به اینکه برگ ۳۱۹ ر (مربوط به «کتاب الفرائض») در این نسخه ننویس است و برگ‌های ننویس آغاز نسخه - در شکل فعلی - مربوط به «کتاب الدعای و البینات» است (که در ترتیب اصل کتاب پس از «کتاب الفرائض» و «کتاب الوصایا» جای دارد)، باید گفت که برگ‌های ننویس آغاز نسخه در اصل مربوط به بخش‌های پایانی کتاب بوده و در تجدید صحافی به اشتباه در ابتدای دستنوشست قرار گرفته است.
۴. جنداری - قاعدتاً بر پایه نسخه‌ای از کتاب که در اختیار وی بوده- *شرح الإبانة (=الإبانة و شروح و تعلیقات آن در هامش)* را کتابی در چهار جلد معرفی می‌کند (جنداری ۱۴۲۴: ۱/ ۳۷). بر اساس نسخه‌ای که در آمروزیانا محفوظ است، از تقسیم‌بندی دیگری نیز که حداقل در ۵ جلد بوده و جلد پنجم آن در ۳۰۱ برگ و به سال ۷۱۹ کتابت شده، باخیریم (نک: سزگین ۱۳۸۰: ۱/ ۸۲۴، ذیل: کتاب *الإبانة*). وجیه (۱۴۲۲: ۱/ ۲۹۹، ۴۹۷) هم از نسخه‌هایی که اجزاء ۲ و ۴ (دو نسخه) از *شرح الإبانة* را شاملند یاد می‌کند.
۵. دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶/ ۳۱۴. انجام این نسخه را «افتاده» معرفی کرده، اما با توجه به عبارتی از *الإبانة* که نسخه دانشگاه با آن پایان می‌یابد (وجب منعهم عن الإختلاط)، باید گفت که تنها یک برگ - که چند سطر پایانی *الإبانة* را در برداشته - از نسخه دانشگاه ساقط گردیده است.

نوع خط، رسم الخط و برخی نشانه‌ها، اندازه و شیوه صفحه‌آرایی این سه نسخه، مطابق با دیگر دستنویس‌های زیدیان ناصری شرقِ گیلان و غرب مازندران در قرون نهم و دهم است. این سه دستنویست، دقیقاً به همان شیوه نسخه‌های تفسیر کتاب/الله (ابوالفضل بن شهردویر دیلمی) کتابت شده‌اند: در نسخه‌های تفسیر دیلمی، متن نص قرآن کریم است و حاشیه تفسیر ابوالفضل که این تفسیر نیز خود حواشی دیگری دارد؛ و در سه نسخه بالا، متن *الإبانه* است و حاشیه شروح و تعلیقات متن که این شروح و تعلیقات خود دارای حواشی دیگری است. در نسخه‌های هر دو متن (الإبانه و تفسیر) - همانند دیگر نسخه‌های این سنت مکتوب زیدی - موضوعی از متن اصلی که مورد شرح و توضیح بوده، با خطی مُمتد^۱ به شرح و توضیح آن متصل گردیده است.^۲



برگ‌های ۲۲۴ پ - ۲۲۵ ر نسخه شماره ۹۱۸۹ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی

در هر سه نسخه مجلس و دانشگاه و مرعشی، گه‌گاه برابر گویشی برخی لغات و اصطلاحات فقهی عربی در ذیل آنها نوشته شده است.^۳ آواها و ساختار این کلمات و عبارات گویشی، با آواها و ساختار بخش‌های گویشی دستنویس‌های تفسیر کتاب/الله همانند است. پیداست که این سه دستنویست نیز - همانند نسخه‌های تفسیر کتاب/الله - در همان ناحیه ناصری‌نشین شمال ایران کتابت، مطالعه و نگهداری شده‌اند.

افزون بر سه نسخه‌ای که نام برده‌ایم و اصل آنها در کتابخانه‌های ایران محفوظ است، تصویری از نسخه *الإبانه* محفوظ در کتابخانه چستریتی (دوبلین - ایرلند) نیز در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (قم) نگهداری می‌شود (نسخه عکسی شماره ۲۱۲۵). نسخه *الإبانه* به شماره ۳۱۸۸ در کتابخانه چستریتی محفوظ است، اما ظاهراً مسئولان کتابخانه مذکور آن را شناسایی نکرده‌اند.^۴ بنابر تصویر چند برگ که از آغاز و انجام و میانه نسخه چستریتی در اختیار من است، باید گفت که در این نسخه نیز سراسر متن *الإبانه* در یک مجلد کتابت و تجلید شده است. نسخه چستریتی از قرن یازدهم قدیمتر نیست و به سنت کتابتی ناصریان شمال ایران تعلق ندارد، هرچند کاتب کوشیده کاملاً از نشانه‌ها و ساختار نسخه‌های آن

۱. درباره این شیوه صفحه‌آرایی در سنت کتابتی زیدیان ناصری شمال ایران و نسخه‌های این سنت، نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۸-۱۹، ۲۳-۲۴. همچون برخی صفحات تفسیر کتاب/الله (عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۸، پانویست ۲)، گاه سراسر یک صفحه از نسخه *الإبانه* کتابخانه مجلس به شروح و تعلیقات و مسائل اختصاص یافته و هیچ سطری از متن اصلی در آن درج نشده است (نک: هوسمی، *الإبانه*: ص ۲، ۱۷، ۳۱، ۱۰۵-۱۰۸، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۰، ۴۱۱، ۴۷۱، ۵۰۰، ۸۳۴، ۸۸۳، ۹۰۱-۹۰۲، ۹۱۵، ۹۳۵-۹۳۶، ۹۴۴-۹۴۵، ۹۷۹). کاغذهای یادداشت‌مانندی که به قصد استدراک متن در میان صفحات ۲۱۲-۲۱۳، ۵۷۷-۵۷۸، ۸۹۶-۸۹۷ و ۹۱۸-۹۱۹ همین نسخه گذاشته شده، در نسخه‌ای از نسخه‌های تفسیر کتاب/الله هم سابقه دارد (نک: دیلمی، تفسیر کتاب/الله: ۲/ ۳۹۱-۳۹۲) و نشانه دیگری است از همانندی‌های سنت کتابتی زیدیان ناصری شمال ایران در قرون هشتم و نهم. تعبیرات و اصطلاحات به کار رفته در حواشی هامش *الإبانه* نیز، هماهنگ با دیگر متون و دستنویس‌های ناصریان شمال ایران در قرن هفتم است؛ همچون کاربرد عنوان «جاءالله العلامة» برای زمخشری مؤلف *کشاف* (برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبانه*، هامش: ص ۵۰، ۹۶۳) که در تفسیر کتاب/الله نیز مکرراً به کار رفته است (نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۲۴). همین ویژگی‌ها را در نسخه‌های دانشگاه و مرعشی نیز می‌توان یافت.
۲. برای نمونه‌هایی از واژه‌ها و عبارات گویشی در نسخه *الإبانه* کتابخانه مجلس، نک: هوسمی، *الإبانه*: ص ۵۲۷، که در ذیل «الحضانه» برابر گویشی «پانس کدن» (به معنای: پاییدن و مراقبت کردن) نوشته شده است؛ ص ۵۴۵، که در برابر «فأخلفه» عبارت گویشی «ورا عوض بدایو» (به معنای: وی را عوض بداده بگوید/ باشد) آمده است؛ ص ۷۳۳، که در ذیل «یشترط» برابر گویشی «شرط کننکا» (به معنای: شرط کند که) آمده است. در ص ۸۲۶ - ۸۲۷ نیز که به مناسبت موضوع باب (ارث) به ترتیب آیات ۱۱ - ۱۲ و ۱۷۶ - ۱۷۷ سورة نساء درج شده، در بین سطور آیات - همانند نسخه‌های تفسیر کتاب/الله - واژه‌ها و عبارات گویشی در ترجمه آیات آمده است.
۳. از آقای ابوالفضل حافظیان به جهت این یادآوری و در اختیار نهادن تصویر چند برگ از آغاز و انجام و میانه این نسخه، بسیار سپاسگزارم. این نسخه عکسی تا کنون در مجلدات فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی معرفی نشده، اما گویا وصف آن در جلد ششم فهرست مذکور خواهد آمد.

سنت کتابتی تقلید کند. متن *الإبانة* در این نسخه به خط نسخ و خط حواشی هامش به خط نستعلیق تحریری است. نسخهٔ چستریبتی در شکل کنونی ۴۰۸ برگ دارد، از آغاز آن یکی دو برگ و از پایان آن نیز در حدود ده برگ افتاده است.

۵. الإبانة: مقدمه، کتب و ابواب

مقدمهٔ هوسمی بر الإبانة و آغاز باب اول از کتابِ نخست آن، چنین است:^۱

«بسم الله الرحمن الرحيم،^۲ الحمد لله رب العالمین^۳ والعاقبة للمتقین^۴ و لا عدوان إلا على الظالمین، و صلى الله على نبيّه^۵ محمد خاتم النبیین و على اهل بيته الطيّبين الطاهرين و سلم تسليمًا كثيرًا. ذکرتم – اسعدکم الله و آتاکم خیر الدارين – ما بالمتعلّمین من الحاجة إلى کتاب جامع لمذهب الناصر للحق – عليه السلام – الحسن بن علی بن الحسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب صلوات الله عليهم اجمعین – ، و فتاواه منفردة^۶ عن الحجج و الأدلّة ؛ فأجبتکم إلى ما التمستم منّی و جمعت فی کتابی هذا فتاواه و فروعاته ما ذکرها^۷ فی کتبه و مسائله إمّا نصّاً و إمّا تخريجاً على نصّه؛ واجتهدت فی ايجازه و تجنّبت من اطالته، و أشرت إلى وجوه بعضها على وجه الإختصار. والله – تعالى^۸ سبحانه – اسئل المعونة و التوفيق، و هو حسبی و نعم الوکیل. فأوّل ما ابتدئ به^۹ فی ذلك:

کتاب الطهارة

باب القول فی المياہ

قال الناصر للحق – عليه السلام – *« فی المسائل: »* لا يجوز الوضوء إلا بالماء القراح، و القراح ماء نظيف لم يختلط به شيء غيره ...^{۱۲}.

الإبانة در ۲۲ کتاب و ۱۰۲ باب^{۱۳} تنظیم گردیده است، بدین ترتیب:

کتاب الطهارة (هوسمی، الإبانة: ص ۴)

باب القول فی المياہ (همان‌جا)

باب القول فی الوضوء و الإغتسال (همان: ص ۲۶)

باب القول فی الإستنجاء و الدباغ و المسح على الخفتین و ما يتصل بذلك (همان: ص ۵۷)

باب القول فی التيمّم (همان: ص ۸۷)

باب القول فی الحيض (همان: ص ۹۹)

کتاب الصلوة (همان: ص ۱۱۷)

باب القول فی مواقيت الصلوة (همان: ص ۱۱۷–۱۱۸)

باب القول فی الصلوة و ستر العورة و کیفیتها (همان: ص ۱۴۲)

باب القول فی الإمامة (همان: ص ۱۶۳)

باب القول فی الأحداث فی الصلوة (همان: ص ۱۹۸)

باب القول فی قصر الصلوة و صلوة المغمی عليه (همان: ص ۲۲۶)

باب القول فی صلوة الجمعة (همان: ص ۲۳۳)

باب القول فی صلوة الخوف (همان: ص ۲۳۸)

باب القول فی صلوة العیدین (همان: ص ۲۴۰)

۱. این بخش را با تصحیح و ذکر اختلاف نسخه‌های دانشگاه، مجلس و چستریبتی نقل می‌کنیم. البته بخش‌هایی کوتاه از این متن، در نسخهٔ مجلس و چستریبتی نیست و جزء برگ‌های ساقط‌شدهٔ نسخه است که با قید «افتاده است» آنها را مشخص کرده‌ایم. گفتیم که برگ‌های آغازین نسخه‌های مجلس در وصالی و صحافی مجدد دچار بی‌نظمی و پریشیدگی شده است. متن نقل‌شده در بالا، در چینش کنونی برگ‌های نسخهٔ مجلس چنین ترتیبی دارد: « [ص ۱] والعاقبة للمتقین و لا عدوان إلا على الظالمین [ص ۳] واجتهدت فی ايجازه و تجنّبت من اطالته، و أشرت إلى وجوه بعضها على وجه الإختصار والله تعالى سبحانه اسئل المعونة و التوفيق [ص ۴] و هو حسبی و نعم الوکیل فأوّل ما ابتداء بذكره فی ذلك کتاب *الطهارة* باب القول فی المياہ قال الناصر للحق عليه السلام فی المسائل [ص ۵] و صلى الله على نبيه محمد خاتم النبیین و على اهل بيته الطيّبين الطاهرين و سلم تسليمًا كثيرًا [ص ۶] ذکرتم اسعدکم الله و آتاکم خیر الدارين ما بالمتعلّمین من الحاجة إلى کتاب جامع لمذهب الناصر للحق عليه السلام الحسن بن علی بن علی بن عمر بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب صلوات الله عليهم اجمعین [ص ۷] و فتاواه منفردة عن الحجج و الأدلّة [ص ۸] فأجبتکم إلى ما التمستم منّی و جمعت فی کتابی هذا فتاواه و فروعاته ما ذکره فی کتبه و مسائله إمّا نصّاً و إمّا تخريجاً على نصّه [ص ۹] لا يجوز الوضوء إلا بالماء القراح [ص ۱۰] و القراح ماء نظيف لم يختلط به شيء غيره» (شایان یادآوری است که صفحهٔ ۲ نسخه یکسره به شرح و تعلیقات اختصاص یافته و هیچ سطرى از *الإبانة* در آن درج نشده است).

۲. چستریبتی: + و.

۳. مجلس: «بسم ... العالمین» افتاده است.

۴. چستریبتی: «والعاقبة للمتقین» افتاده است. عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم والحمدلله رب العالمین» را هم بعداً – به سیاق متن – در بالای صفحه افزوده‌اند تا افتادگی نسخه استدراک شده باشد.

۵. چستریبتی: – نبیه.

۶. دانشگاه، چستریبتی: مفردة.

۷. مجلس: ذکره.

۸. چستریبتی: – تعالى.

۹. مجلس، چستریبتی: ما ابتداء بذكره؛ حاشیهٔ دانشگاه: + أی بذكره.

۱۰. دانشگاه: عليه الصلوة و السلم.

۱۱. دانشگاه: – فی المسائل.

۱۲. هوسمی، *الإبانة*: نسخهٔ مجلس: ص ۱–۱۰؛ نسخهٔ دانشگاه: برگ ۸ پ–۱۲ پ؛ نسخهٔ چستریبتی: برگ ۱ ر– ۴ پ.

۱۳. هوسمی هر باب را با عبارت « القول فی ...» آغاز می‌کند. ناصرخسرو قبادیانی نیز عنوان گفتارهای *زادالمسافر* (تألیف‌شده در: ۴۵۳ ق) را عبارت «قول ... اندر» قرار داده است (نک: ناصرخسرو، *زادالمسافر*: ۵–۶). می‌توان حدس زد که در قرن پنجم قرار دادن عنوان «قول» برای گفتارهای کتاب، کمابیش رایج بوده است.

باب القول فى صلوة الكسوف و الخسوف و الإستسقاء و صلوة التسبيح (همان: ص ٢٤٤)

باب القول فى صلوة على الميت و غسله و دفنه (همان: ص ٢٤٩)

كتاب الزكوة (همان: ص ٢٦٦)

باب القول فى وجوب الزكوة (همان: ص ٢٦٦)

باب القول فى زكوة الذهب و الفضة و الدين (همان: ص ٢٧٧)

باب القول فى زكوة المواشى (همان: ص ٢٨٨)

باب القول فى زكوة ما اخرجت الأرض (همان: ص ٢٩٢)

باب القول فى الخمس و كفيته (همان: ص ٣٠٢)

باب القول فى صدقة الفطر (همان: ص ٣٢٠)

كتاب الصيام (همان: ص ٣٢٥)

باب القول فى كيفية الدخول فى شهر رمضان (همان: ص ٣٢٥)

باب القول فيما يفسد الصيام و يصحّحه (همان: ص ٣٣١)

باب القول فى الإعتكاف (همان: ص ٣٤٣)

كتاب الحج (همان: ص ٣٤٦)

باب القول فى الدخول فى الحج و العمرة (همان: ص ٣٤٦)

باب القول فى صفة الحج (همان: ص ٣٥٨)

باب القول فيما يجب على المحرم تجنّبه و ما يجوز له فعله (همان: ص ٣٧٣)

باب القول فى جزاء الصيد و الإحصار (همان: ص ٣٧٧)

باب القول فى زيارة قبر النبى صلى الله عليه و آله (همان: ص ٣٨٢)

كتاب النكاح (همان: ص ٣٨٣)

باب القول فى ذكر اللواتى يحلّ أو يحرم نكاحهنّ (همان: ص ٣٨٣)

باب القول فى الأولياء (همان: ص ٣٩٥)

باب القول فى المهور و الرّدّ بالعيب (همان: ص ٤٢٤)

باب القول فى معاشرّة الأزواج (همان: ص ٤٥٣)

باب القول فى الرضاع (همان: ص ٤٥٩)

كتاب الطلاق (همان: ص ٤٧٢)

باب القول فى كيفية وقوع الطلاق (همان: ص ٤٧٢)

باب آخر من الطلاق و العلة و الرجعة (همان: ص ٤٩٦)

باب القول فى الايلاء (همان: ص ٥١٨)

باب القول فى الظهار (همان: ص ٥٢٢)

باب القول فى اللعان (همان: ص ٥٣٢)

باب القول فى الحضانة و النفقة (همان: ص ٥٣٧)

كتاب البيوع (همان: ص ٥٤٤)

باب القول فى البيوع المنهى عنها و الجائزة (همان: ص ٥٤٤)

باب القول فى المصارفة و بيع الأجناس (همان: ص ٥٨٤)

باب آخر فيما يصحّ أو يفسد من البيوع و الكلام فى إستبراء الأمة (همان: ص ٥٩٦)

باب القول فى الرّدّ و البيع بالعيب (همان: ص ٦١٢)

باب اللقول فى السّلم (همان: ص ٦٢٨)

كتاب الشفعة (همان: ص ٦٣٧)

باب القول فى الشفعة و ما يردّ منها و ما لا يردّ (همان: ص ٦٣٧)

كتاب الرهون (همان: ص ٦٧١)

باب القول فيما يكون رهناً و ما لا يكون رهناً (همان: ص ٦٧١)

كتاب الغصب (همان: ص ٦٨٦)

باب القول فى المغصوب يوجد بعينه أو لا يوجد و كيفية الضمان فيه (همان: ص ٦٨٦)

كتاب الكفالة (همان: ص ٧٠٤)

باب القول فى كيفية وجوب الضمان و القول فى العارية و الوديعة (همان: ص ٧٠٤)

كتاب الهبات و الصدقات (همان: ص ٧٢٣)

باب القول فى الهبة و ما يصحّ منها و ما لا يصحّ (همان: ص ٧٢٣)

باب القول فى تفصيل بعض الأولاد فى العطية و القول فى العُمري و الرقبى (همان: ص ٧٣٢)

باب القول فى إحياء الموات و اللقطة (همان: ص ٧٣٦)

باب القول فى المأذون و المدائنات (همان: ص ٧٤٣)

باب القول فى الشركة (همان: ص ٧٥١)

باب القول فى الإستيذان (همان: ص ٧٦٩)

باب القول فى اللباس (همان: ص ٧٧٣)

كتاب الإجارة (همان: ص ٧٧٨)

باب القول فى الإجارة (همان: ص ٧٧٨)

باب القول فى الصلح (همان: ص ٧٩٨)

باب القول فى الوكالة (همان: ص ٨٠٥)

باب القول فى الإقرار (همان: ص ٨١١)

كتاب الفرائض (همان: ص ٨٢٥)

باب القول فى وصف منازل الورثة (همان: ص ٨٢٥)

باب القول فى فرائض الأبوين (همان: ص ٨٤٠)

باب القول فى فرائض الأولاد (همان: ص ٨٤٢)

باب القول فى فرائض الإخوة (همان: ص ٨٤٦)

باب القول فى فرائض اولاد الإخوة و الأخوات (همان: ص ٨٤٨)

باب القول فى فرائض الأجداد و الجدّات (همان: ص ٨٥١)

باب القول فى فرائض سائر ذوى الأرحام (همان: ص ٨٥٥)

باب القول فى الولاء (همان: ص ٨٥٧)

باب القول فى ميراث الكفار (همان: ص ٨٦٠)

باب القول فى ميراث المُكاتب و الحميل (همان: ص ٨٦٣)

باب القول فى [ميراث] الغرقى و الهَدْمى (همان: ص ٨٦٥)

باب القول فى ميراث الخنثى (همان: ص ٨٦٨)

باب القول فى ميراث المفقود (همان: ص ٨٧١)

باب القول فى المناسخة (همان: ص ٨٧٦)

كتاب الوصايا (همان: ص ٨٧٨)

باب القول فى بيان الوصية و كيفيتها (همان: ص ٨٧٨-٨٧٩)

كتاب الدعاوى و البيّنات (همان: ص ٩٠٣)

باب القول فى ادب القاضى (همان: ص ٩٠٣)

باب القول فى الدعاوى و مراتب الحكومات (همان: ص ٩٢٩)

كتاب الديات (همان: ص ٩٥٧)

باب القول فى اقسام القتل و اقسام الدية (همان: ص ٩٥٧)

باب القول فيما يجب الدية فى الرأس و الوجه (همان: ص ٩٦٩)

باب القول فيما يجب فى البدن من الدية (همان: ص ٩٧٥)

باب القول فيما يجب فى البدن و الرجلين من الديات (همان: ص ٩٧٦)

باب القول فى الجنایات (همان: ص ٩٨٠)

باب [القول] أجز منها من قُتل دابة غيره أو ماشية (همان: ص ۹۹۱)

باب القول في القسامة (همان: ص ۹۹۶)

کتاب الحدود (همان: ص ۱۰۰۲)

باب القول في حد الزانی و الشارب و التعزیر (همان: ص ۱۰۰۲)

باب القول في حد السارق (همان: ص ۱۰۱۱)

باب القول في حکم قطع الطريق و من يقتل حداً (همان: ص ۱۰۱۶)

کتاب الأیمان و النذور (همان: ص ۱۰۱۸)

باب القول في الأیمان و حقیقتها (همان: ص ۱۰۱۸)

باب القول في الکفارة (همان: ص ۱۰۱۸)

باب القول في النذور (همان: ص ۱۰۲۵)

کتاب الصيد و الذبایح (همان: ص ۱۰۲۸)

باب القول في الذبایح (همان: ص ۱۰۲۸)

باب القول فيما يحل من الصيد و ما لا يحل (همان: ص ۱۰۳۲)

باب القول فيما يحرم أو يكره (همان: ص ۱۰۳۶)

باب القول في الأضحی و العقیقة (همان: ص ۱۰۳۷)

باب القول في الأطعمة (همان: ص ۱۰۴۰)

باب القول في الأشربة (همان: ص ۱۰۴۴)

باب القول في العتق و التدبیر و الكتابة (همان: ص ۱۰۴۹)

کتاب السیر (همان: ص ۱۰۵۷)

باب القول في صفة الإمام (همان: ص ۱۰۵۷)

باب القول في السیر في الحروب (همان: ص ۱۰۶۷)

باب القول في الأمان (همان: ص ۱۰۷۲)

باب القول في الغنائم و قسمتها (همان: ص ۱۰۷۵)

باب القول في الجزية (همان: ص ۱۰۷۹)

هر «باب» از هر «کتاب»^۱ الإبانة، با نقلی از ناصر با عبارت «قال الناصر للحق ع» - با ذکر نام کتاب منقول^۲ عنه یا بدون ذکر آن^۱ - آغاز می‌شود.^۲ ترتیب و عناوین کتاب‌ها و باب‌های الإبانة، در مجموع با ترتیب و عناوین الناصریات شریف مرتضی - که مبتنی بر نسخه‌ای از مسائل فقهی ناصر کبیر بوده و طبعاً ریشه در ادبیات زیدیان ناصری دارد - همانند است؛ اما در مقایسه با متون فقهی اصالتاً امامی، همچون آثار فقهی شیخ مفید (م ۴۱۳) و شیخ طوسی (م ۴۶۰)، علی‌رغم موافقت کلی تفاوت‌هایی در عنوان و ترتیب مباحث هست (مخصوصاً در کتب و ابواب پایانی) که از نگاه متفاوت زیدیه به مسائل فقهی و سرچشمه‌های مختلف فقه زیدیه و فقه امامیه نشأت می‌گیرد.

۶. جستجویی در الإبانة: روش، فوائد، نکته‌ها

بنابر مقدمه هوسمی بر الإبانة که در بخش پیشین نقل کردیم، هوسمی الإبانة را به درخواست جمعی از طالب‌علمان ناصری، تألیف و تدوین کرده است. چنانکه هوسمی در این مقدمه می‌گوید و متن کتاب نیز بر آن گواهی می‌دهد، وی در الإبانة فتاوی فقهی ناصر را از آثار او به عین نص استخراج کرده و یا از مطاوی نصوص او استنباط نموده است، بدون آنکه به استدلالاتی که پشتوانه این آرا و فتاواست بپردازد؛ مگر به ندرت که به وجه برخی از آن فتاوا به اختصار اشاره کرده است. بدین ترتیب، الإبانة یک دوره فقه فتوایی و غیر استدلالی است مطابق با فتاوی ناصر کبیر که بخش عمده آن از نص آثار و فتاوی ناصر تشکیل شده،^۳ اما در میان این نصوص گاه برخی استنباط‌ها و استدلال‌ها نیز درج گردیده است.

✱

الإبانة از جهات گوناگونی دارای اهمیت و حاوی اطلاعات ذی‌قیمت است: از ذکر نصوص و فتاوی فقهی ناصر کبیر گرفته تا استنباط بعدی هوسمی از آنها، نحوه تنظیم ابواب فقهی نزد زیدیان قرون چهارم و پنجم، میزان تأثیرپذیری فقه ناصری از روایات و آرای فقهی ائمه متقدم امامیه (مخصوصاً: امام محمد باقر^ع) و امام جعفر صادق^ع) یا فتاوی فقه‌های اهل سنت، مسائل شرعی مورد ابتلای ایرانیان زیدی عهد ناصر و پس از آن تا نیمه‌های قرن پنجم، برخی اطلاعات تاریخی، و

۱. در میانه ابواب نیز مواردی متعدد هست که هوسمی به طور مستقیم از ناصر نقل قول می‌کند بدون آنکه به نام کتاب منقول^۲ عنه اشاره کند (برای نمونه، هوسمی، الإبانة: ص ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۳۴، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۸، ۴۸۱، ۵۳۶، ۶۱۰ و ...).

۲. البته چند باب بدون نقل قول ناصر آغاز می‌شود (نک: همان: ص ۸۴۲، ۸۴۶، ۹۵۷، ۹۸۰، ۱۰۱۱). این موارد شاید بدین دلیل باشد که نصی از ناصر کبیر در آن باره وجود نداشته و هوسمی به جای آن فتاوی خود را در آغاز باب آورده است؛ و البته این احتمال نیز قوی است که عبارات آغاز این ابواب هم از ناصر بوده اما کاتب نسخه به اشتباه نام ناصر را از آغاز عبارت انداخته است (قس: همان: ص ۸۴۸، ۸۵۱، ۸۵۴، ۸۵۶، ۸۶۰ که عبارت «قال الناصر للحق علیه السلام» بعداً در بالای سطر نخست ابواب افزوده شده است).

۳. مانند برخی آثار فقهی کهن امامیه، همچون النهایة شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، که متشکل از نص روایات ائمه شیعه است.

در این میان، یکی از مهمترین بهره‌هایی که *الإبانة* دربردارد، فرصت دستیابی به متن آثار، فتاوا و آرای ناصر کبیر به واسطهٔ نقل‌های بی‌واسطهٔ هوسمی از نصوص اوست. از منقولات هوسمی از آثار ناصر کبیر، به خوبی پیداست که ناصر اعتنای خاصی به اقوال، آرا و فتاوای فقهی امام محمد باقر^(ع) و امام جعفر صادق^(ع) داشته و در آثار گوناگون خود^۱ روایات فقهی ایشان را – حتی به صورت مسند^۲ – نقل کرده است.^۳ ناصر حتی عبارت «صلوات الله علیهم اجمعین» را برای ائمهٔ مدفون در بقیع به کار می‌برد (اگر این عبارت افزودهٔ کاتبان بعدی نباشد).^۴ با این همه نباید ناصر را امامی پنداشت، چرا که او – افزون بر اختلافات فراوان فقهی و کلامی‌اش با امامیه که از سراسر نصوص وی هویداست – به صراحت به ردّ اعتقاد امامیه (که وی با عنوان «قطعیه» از ایشان یاد می‌کند)^۵ در باب غیبت می‌پردازد.^۶ ناصر در مواردی متعدد احادیث پیامبر^(ص)^۷ و مخصوصاً امیرمؤمنان^(ع)^۸ را نیز نقل می‌کند و بدانها استناد می‌جوید. در این میان برخی از روایات پیامبر^(ص) منقول از امیرمؤمنان^(ع) است.^۹ از برخی اشارات می‌توان پی برد که ناصر دست کم برخی از این روایات را به صورت مسند نقل کرده است؛^{۱۰} همچنانکه می‌دانیم یکی از این روایات نبوی را ناصر از طریق محمد بن منصور [مرادی] نقل کرده است.^{۱۱}

هوسمی به این امر که آرا و فتاوای منقول از ناصر برگرفته از نصّ و تصریح اوست، با عباراتی همچون «نصّ فی ...»،^{۱۲} «نصّ علیه فی ...»،^{۱۳} «نصّ علیها فی ...»،^{۱۴} «نصّ علی ذلک فی ...»،^{۱۵} «منصوص علیه فی»،^{۱۶} «صرّح به فی ...»^{۱۷} اشاره کرده و عنوان کتاب‌هایی را که نصوص و تصریحات مزبور در آنها آمده یاد کرده است. در مواردی دیگر، هوسمی به اشارات ناصر کبیر – و نه تصریحات او – در آثارش توجه می‌دهد.^{۱۸}

نکتهٔ مهم، اشارات هوسمی به اختلاف اقوال ناصر در آرای گوناگون اوست؛ و مهمتر آنکه در این اختلاف اقوال (منصوص یا غیر منصوص)، هوسمی قول اصحّ یا قول مختار را – که به عقیدهٔ او با مبانی فقهی مذهب ناصر سازگارتر و نزدیک‌تر است – مشخص می‌سازد.^{۱۹} با این همه، *الإبانة* تنها حاوی نصوص یا فتاوای ناصر نیست و گاه دربردارندهٔ استنباط‌های هوسمی^{۲۰} و نتیجه‌گیری‌های وی^{۲۱} از نصوص ناصر نیز هست؛ همچنانکه هوسمی به تخریجات و اجتهادات خود از اقوال و منصوصات ناصر تصریح می‌کند.^{۲۲}

❖

توجه به برخی استنباط‌های هوسمی، از نظر شناخت مبانی استنباط فقه‌ای ناصری در خور توجه است. برای نمونه، وی با اشاره به روایتی منسوب به امام علی^(ع) یادآور می‌شود که صدور این روایت ثابت نیست، زیرا ناصر کبیر مطابق با مضمون آن فتوا نداده و حال آنکه قول علی^(ع) همیشه حجت است؛^{۲۳} و این خود گویای جایگاه بی‌مانند ناصر کبیر و فتاوای وی نزد ناصریان است. نوشتهٔ هوسمی در پایان یکی از ابواب «کتاب الدیات» نیز شایان اعتناست؛ آنجا که به ضرورت احتیاط و تقویم در مواردی که نصّی آشکار در دست و یا اجماعی در امر نیست، توجه می‌دهد.^{۲۴}

از نمونه‌های دیگر شایستهٔ تأمل در نوشتهٔ هوسمی، باید به یادکردِ فتاوای دیگر ائمه و علمای زیدیه در کنار آرای فقهی ناصر،^{۲۵} نقل روایت امام محمد باقر^(ع)،^{۲۶} اشاره به نقل

^[1] نک: همان: ص ۲۰ (در الألفاظ، به سیاق متن)، ص ۲۳۱ (در الکبیر)، ص ۶۴۸ (در کتاب الشفعة).

^[2] نک: همان: ص ۴۸۵: «روی یاسناده عن ابی جعفر ع».

^[3] برای نقل و توجه ناصر به روایات و آرای فقهی امام محمد باقر(ع) – ابوجعفر محمد بن علی –، نک: همان: ص ۲۰، ۲۳۱، ۲۳۵، ۴۸۵، ۵۱۲، ۶۴۸، ۷۷۷، ۸۹۰؛ و برای نقل و توجه وی به روایات و آرای فقهی امام جعفر صادق(ع)، نک: همان: ص ۴۳۴–۴۳۵، ۴۸۱، ۴۹۴، ۵۲۴ (۲ مورد)، ۵۳۱، ۵۳۲، ۷۷۲–۷۷۳، ۷۷۷. در حواشی هامش الإبانة نیز به فراوان به نقل ناصر از امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) اشاره شده است. برای نمونه، نک: هوسمی، الإبانة، هامش: ص ۶۰۵.

^[4] نک: همان: ص ۲۵۹.

^[5] مسعودی (م ۳۴۵) نیز از شیعیانی که به امامت فرزند امام حسن عسکری(ع) به عنوان امام دوازدهم اعتقاد داشته‌اند (چه «اثنا عشریه» که امام عصر(ع) را آخرین امام در سلسلهٔ امامت می‌دانسته‌اند و چه «اصحاب النسق» که قائل به استمرار امامت در فرزندان امام عصر(ع) بوده‌اند: نک: مسعودی، التنبيه و الإشراف: ۱۹۸–۱۹۹) با عنوان «قطعیه» یاد می‌کند (مسعودی، مروج الذهب: ۴/ ۱۱۲؛ همو، التنبيه و الإشراف: ۱۹۸، که در متن چاپی آن «القطعية بالإمامة» باید مطابق مروج الذهب: ۴/ ۱۱۲ به «القطعية من الإمامية» تصحیح شود). دربارهٔ اطلاق عنوان «قطعیه» و محدودهٔ گسترده‌تری از کاربرد آن در باب فرق شیعی، نک: مدرسی طباطبایی ۱۳۸۶: ۱۲۶–۱۲۷ و پانوشت‌های همان‌جا.

^[6] نک: هوسمی، الإبانة: ص ۱۰۶۷.

^[7] برای نمونه، نک: همان: ص ۵۱۰، ۵۶۴، ۶۷۷، ۷۳۱، ۷۴۹، ۷۷۶.

^[8] برای نمونه، نک: همان: ص ۴۹۰، ۴۹۶، ۵۷۷، ۷۰۷.

^[9] نک: همان: ص ۷۰۴.

^[10] برای نمونه‌هایی که اشاره به نقل مسند روایات امیر مؤمنان (ع) دارند، نک: همان: ۴۶۹، ۱۰۶۷.

^[11] نک: همان: ص ۳۸۱.

^[12] نک: همان: ص ۷۱ (نصّ فی الألفاظ)، ۱۶۲ (نصّ فی کتاب الحج).

^[13] نک: همان: ص ۲۵۸ و ۳۲۳ و ۳۷۰ و ۶۱۷ و ۱۰۵۱ (نصّ علیه فی الألفاظ)، ۳۶۲ (نصّ علیه فی الکبیر)، ۳۷۸ (نصّ علیه فی البانداشتیات)، ۴۰۵ (نصّ علیه فی مسائل الدیلم)، ۴۰۶ و ۴۶۲ (نصّ علیه فی الایوزیات)، ۴۷۷ و ۴۹۰ و ۵۱۰ (نصّ علیه فی کتاب الطلاق)، ۶۱۹ و ۹۵۴ (نصّ علیه فی مسائل البیوع)، ۶۷۲ (نصّ علیه فی کتاب الرهون)، ۷۴۷ و ۸۲۰ و ۹۶۶ و ۹۷۳ و ۱۰۶۸ (نصّ علیه فی المسائل)، ۸۱۲ (نصّ علیه فی مسائل الرهن)، ۸۷۹ (نصّ علیه فی مسائل اسمعیل بن عبدالله الکلازی)، ۹۲۰ (نصّ علیه فی کتاب الإمامه)، ۹۸۸ (نصّ علیه فی کتاب تفسیر القرآن)، ۱۰۳۴ (نصّ علیه فی کتاب البیوع).

^[14] نک: همان: ص ۷۳۳ (نصّ علیها فی الألفاظ).

^[15] نک: همان: ص ۷۲۵ (نصّ علی ذلک فی کتاب الإمامة)، ۱۰۴۵ (نصّ علی ذلک فی کتاب الأُثریه).

^[16] نک: همان: ۴۵۱ (و هذا منصوص علیه فی المسائل).

^[17] نک: همان: ص ۳۲۹ (صرّح به فی کتاب الصوم).

^[18] نک: همان: ص ۱۵۲ (علی ما اشار الیه فی الکبیر)، ۳۱۴ (علی ما ذکره فی الایوزیات)، ۸۰۱ (أشار ... فی السیر)، ۹۱۰ (أشار فی کتاب الإمامه)، ۹۳۰ (و قد أشار ... إلى ذلک فی بعض مسائله)، ۹۵۹ (أشار فی بعض مسائله)، ۹۸۸ و ۱۰۲۳ (و أشار فی الأیمان و الندور)، ۱۰۲۱ (و أشار فی الألفاظ)، ۱۰۳۴ (و أشار علیه فی الألفاظ).

^[19] نک: همان: ص ۱۵۹ (المختار من مذهبه)، ۱۹۴ (هذا القول اصحّ لمذهبه)، ۲۸۵ (... و الأصحّ لمذهبه ع ما فی المسائل)، ۲۹۲ (هذا قوله الأصحّ و إن کان ع ذکر فی بعض مسائله إنّ ...)، ۳۰۰ (... لکن الأصحّ من قوله)، ۳۰۶ (و حُکی عنه نصّاً فی کتاب لکن الأصحّ من مذهبه ما قدّمناه)، ۳۱۴ (... و هو الأصحّ من قوله ع)، ۳۶۲ (نصّ علیه فی الکبیر و هو الصحیح من مذهبه)، ۳۷۲ (... و هو الصحیح من مذهبه)، ۳۷۸ (... کما نصّ علیه فی البانداشتیات لکن الأصحّ من مذهبه ما ذکره فی المسائل)، ۴۵۱–۴۵۲ (... و هذا منصوص علیه فی المسائل لکنّه ذکر فی کتاب الطلاق إنّ ... و هو الأصحّ لمذهبه مع أنّه أوجبها ...)، ۵۱۵ (... و هذا أحد قولیه ع و الأصحّ لمذهبه أنّ ...)، ۵۴۰ و ۵۹۸ (الأقرب من مذهبه)، ۶۱۱ (و الاصحّ من مذهبه)، ۷۲۶ (الأقرب من مذهبه)، ۸۵۱ (فقوله ع الثاني ... و هو الأصحّ)، ۹۳۲ (... علی ما قال فی الألفاظ و هو مذهبه ع الصحیح، و إن کان أشار فی کتاب الطلاق إلى أنّه ...)، ۹۴۹ (و الصحیح من مذهبه ع ما أشار فی بعض مسائله إلى أنّها ...)، ۹۵۸ (هذا أصحّ لمذهبه ع و إن کان أشار فی الألفاظ إلى ...)، ۹۵۹ (و أشار فی بعض مسائله إلى ... و لکن الأصحّ لمذهبه ع ...)، ۱۰۲۹ (الأصحّ من مذهبه ع ما فی المسائل)، ۱۰۳۴ (فلا یوکل لمذهبه الصحیح)، ۱۰۴۱ (لکنّ الأصحّ أنّه ...)، همان‌جا (و ذکر فی الألفاظ ... و قال فی موضع آخر فی مسائل الدیلم ... و هو الأصحّ لمذهبه ع)، ۱۰۵۰ (قال ... و قال فی موضع آخر ... و هو الأصحّ لمذهبه ع و نصره زیادة النصرة و کلی القولین مذکور فی کتاب بیع المہات الاولاد).

^[۲۰] نک: همان: ص ۵۱۴–۵۱۵ (و فیه دلیل ...)، ۵۴۰ (و اطلاق قوله ع ... یقتضی أن ...)، ۵۷۱ (فأوجب کلامه ع هذا، أنّ ...)، ۶۰۶ (فهذا يدلّ علی إنّ عنده ع ...)، ۸۰۷ (لقوله ع ...)، ۸۷۵ (والذی یقتضی مذهبه ...)، ۸۹۱ (فهذا يدلّ علی أنّ عنده ع إنّ المکاتب إذا مات ...)، ۹۲۲ (فعلیّ قوله ع، لیس للظالم تولیة ...)، ۹۲۵ (فهذا يدلّ علی أنّ مذهبه علیه السلام ...)، ۱۰۵۵ (و علی قیاس قوله ... جاز أنّ یکاتبه المولی ...)، ۱۰۸۰ (و من مات سقط عنه الجزیه ... لأنّه قال لا تؤخذ ...)، ۱۰۸۱ (قال و لا توضع ... و معناه ...).

^[۲1] نک: همان: ص ۲۸۱ و ۷۰۵ و ۱۰۲۵ (و حاصل مذهبه)، ۴۱۳ (فتحصیل مذهبه)، ۴۶۷ (حاصل قوله)، ۴۷۹ و ۱۰۴۱ (فحاصل مذهبه)، ۵۷۲–۵۷۳ (فحصل لمذهبه ع فی البیع)، ۹۸۳ (حاصل مذهبه ع).

^[۲۲] نک: همان: ص ۹۶، ۲۲۹–۲۳۰، ۲۷۶، ۳۲۳ (تخریجاً علی قوله فی مسائل)، ۵۳۷ (و نخرّج علی قوله)، ۶۱۴ (تخریجاً علیه)، ۶۱۷ و ۹۵۰ و ۹۷۳ و ۱۰۳۶ (تخریجاً علیها)، ۶۸۵ (تخریجاً علی قوله)، ۸۶۳ (تخریجاً علی قوله فی ...)، ۱۰۳۶ (تخریجاً).

^[۲۳] همان: ص ۹۶۳: «و رَوِی عن علی ع أنّه قضی فی ... و الروایة غیر ثابتة عن علی ع لأنّ الناصر للحق ع خالفه فیها؛ فلو کانت صحیحة عنه ع لم یُفت بخلافها لأنّ ما صحّ عنه ع فهو حجّة».

^[۲۴] همان: ص ۹۷۴: «و الأقرب فی جمیع هذه المسائل التی لیس فیها إجماع و لا نصّ ظاهر، إيجاب الحكومة و هو الاحتیاط. و الحكومة هی التقویم فی الدیات و أروش الجنایات و قیم المتلفات و جزاء الصيد».

^[۲۵] همان: ص ۳۰۸ (و هو قول اکثر السادة)، ۵۴۰ (مثل قول الهادی [یحیی بن حسین]).

^[۲۶] همان: ص ۴۷۷ (و قال ابوجعفر الباقر ع ...).

روایت امام جعفر امام صادق^(ع) توسط ناصر و تأکید بر اختلاف «مذهب صادق» و «مذهب ناصر» در آن موضوع،^۱ ذکر قول فقهای امامیه در کنار رأی متفاوت ناصر،^۲ ردّ بر اعتقاد امامیه در باب معجزات ائمه با استناد به کلام ناصر،^۳ اشاره به نقل عباسی از ناصر کبیر و تردید وی در صحت انتساب این نقل به ناصر،^۴ اشاره به فتوای خود،^۵ توجه دادن به برخی سنت‌های زیدیه،^۶ یادکرد پاره‌ای فواید تاریخی در باب ناصر کبیر به منظور استنباط احکام فقهی،^۷ و نقش نقد تاریخی در کشف قول اصحّ در فقه ناصر،^۸ اشاره کرد.

ذکر عبارت فارسیِ گویشی در متن هوسمی نیز شایان توجه است، آنجا که می‌نویسد: « ... و لابدْ أن یشرط عُمرَه فیقول بالعریة: ما عِشْتُ، أو بالفارسیة: **دا تو زیوی**». ^۹ ساختار و آواهای عبارت گویشیِ «دا تو زیوی» (به گویش دیلمی/ گیلانی؛ به معنای: تا تو بزویی/ تا تو زیست کنی/ تا تو زنده باشی) در *الإبانة* هوسمی، با ساختار و آواهای بخش‌های گویشیِ *تفسیر کتاب/الله* (ابوالفضل بن شهردویر دیلمی) که قریب یکصد و پنجاه سال بعد در همان سنت علمیِ محلی پدید آمده، همانندی دارد. ^{۱۰} ذکر این عبارت گویشی و جواز کاربرد آن در یک قرارداد شرعی، هم از نظر جامعه‌شناسی دینی ایرانیان در آن ادوار و هم از نظر فقه فقهای زیدی ایرانی دارای اهمیت است. تأثیر جامعهٔ فارسی‌زبان در فقه ناصری، در مواضعی دیگر از *الإبانة* هم دیده می‌شود. برای نمونه، هوسمی ذکر نام خداوند به هنگام ذبح را، به فارسی هم جایز می‌شمارد. ^{۱۱}

مهمتر از وجود عبارت گویشیِ مذکور در متن عربیِ *الإبانة*، ورود واژهٔ فارسی در نصّ ناصر کبیر است؛ آنجا که ناصر واژهٔ فارسی «مارماهی» را به کار می‌برد و می‌نویسد: «نحن نکره الجریّ و المارماهی و کلب الماء و لا نحرّمه...».^{۱۲} همین واژهٔ فارسی را – با همان ال-تعریف عربی – هوسمی نیز در متن *الإبانة* به کار برده است.^{۱۳}

۷. منابع فقه ناصری: الإبانة و آثار اصیل ناصر کبیر

یکی از مهمترین جنبه‌های اهمیت *الإبانة*، اطلاعات و منقولاتی است که هوسمی از آثار اصیل ناصر کبیر – و نه استخراج‌شده از آثار اصلی او – به دست می‌دهد. با توجه به این منقولات، هم می‌توان به نام آثار اصیل ناصر دست یافت، و هم پاره‌های مهمی از آثار مفقود او را به دست آورد.

ابن‌ندیم (م. ح ۳۸۰) از قول بعضی از زیدیه نقل می‌کند که ناصر کبیر در حدود صد کتاب داشته است.^{۱۴} وی می‌نویسد که *کتاب الطهارة*، *کتاب الأذان و الإقامة*، *کتاب الصلاة*، *کتاب اصول الزکاة*، *کتاب الصیام*، *کتاب المناسک*، *کتاب السیر*، *کتاب الأیمان و النذور*، *کتاب الرهن*، *کتاب بیع امهات الأولاد*، *کتاب القسامة*، *کتاب الشفعة*، *کتاب الغصب*، *کتاب الحدود* از تألیفات ناصر کبیر را شخصاً دیده است.^{۱۵} نجاشی (م ۴۵۰) نیز از تصنیفات ناصر کبیر، *کتاب فی الإمامة* (صغیر)، *کتاب الطلاق*، *کتاب فی الإمامة* (کبیر)، *کتاب فدک و الخمس*، *کتاب الشهداء و فضل اهل الفضل منهم*، *کتاب فصاحة ابي طالب*، *کتاب معاذیر بنی هاشم فی ما نقم علیهم*، *کتاب انساب الأئمة و مولایدهم إلى صاحب الأمر علیهم السلام* ^{۱۶} را نام می‌برد.^{۱۷}

از میان تألیفات بسیار ناصر کبیر تعداد اندکی به دست ما رسیده است؛^{۱۸} اما منقولات پراکندهٔ مهمی از آثار او را در سنت مکتوب زیدیان ناصری شمال ایران – تا قرون هفتم و هشتم – می‌توان یافت. برای نمونه، در *تفسیر کتاب/الله* (تألیف ابوالفضل بن شهردویر دیلمی در نیمهٔ نخست قرن هفتم) از کتاب‌های *البساط*، *تفسیر*، *کتاب المناهی*، *کتاب الوصایا*، *المسائل* با انتساب آن به ناصرلحق یاد شده و به مطالبی از آنها استناد یا اشاره گردیده؛^{۱۹} و در *حاشیه‌های هامش الإبانة* (تألیف و تہذیب محمد بن صالح گیلانی در نیمهٔ دوم قرن هفتم) نیز از کتاب‌های گوناگون ناصر کبیر نقل یا به متن آنها استشهاد شده است.^{۲۰} با توجه به این اشاره‌ها و نقل‌ها، باید گفت که تا قرون هفتم و هشتم، برخی از آثار ناصر کبیر در میان زیدیان ناصری شمال ایران محفوظ، مورد مراجعه و استناد، محل شرح و توضیح، و چه بسا موضوع تعلّم و تعلیم بوده است.

هوسمی در *الإبانة*، از چندین کتاب ناصر کبیر نام برده، پاره‌هایی از متن آنها را عیناً نقل کرده و یا برای استخراج آرای فقهی وی به متن آنها استناد جسته است. چنانکه گذشت، از منقولات هوسمی می‌توان بخش قابل توجهی از آن کتاب های مفقود را بازیابی کرد. این کتاب‌ها – به ترتیب الفبا – عبارتند از:

الإحتساب (نک: *کتاب الإحتساب*، در ادامه)

الألفاظ ^{۲۱}

- همان: ص ۳۰۸–۳۰۹: «و الذی روی عن الصادق ع أنّه اذا کان لرجل دار و خادم و جاریة قیمتها مائتا درهم و لم یکن له خمسون درهماً حال علیه الحول حلّ له اخذ الزکوة، فهو مذهب الصادق لا مذهب الناصر للحق ع». خواننده توجه دارد که در پارهٔ اخیر عبارت، هوسمی از امام صادق بدون نشان «ع» (= علیه السلام) و از ناصر با نشان «ع» یاد کرده است.
- همان: ص ۴۹۱: «... و به قالت الإمامیة؛ و عند الناصر للحق ع ...».
- همان: ص ۱۰۶۶: «و قال ع أيضاً: لو أوحی إلى الصالحین من قبلی لأوحی إلیّ. فهذا تنبیہ علی قول الإمامیة أنّ أئمتهم تأتیهم الصحيفة لیالی الجمعة بأحکام الله تعالی و لهم معجزة». آنچه هوسمی به امامیه نسبت داده است (نازل شدن صحیفه‌ای از احکام بر ائمه در شب‌های جمعه) – اگر نسبت نادرستی نباشد – قاعدتاً تنها اعتقاد جمعی از امامیه در آن عصر بوده است. البته در برخی روایات شیعی بر شأن خاص شب‌های جمعه در علم ائمه تأکید شده، اما در این روایات سخن از «علم مستفاد» ائمه است و نه نزول «صحیفه» بر ایشان (نک: صفار قمی، *بصائر الدرجات*: ۱۳۰–۱۳۲: «باب ما یزاد الأئمة فی لیلة الجمعة من العلم المستفاد»).
- همان: ص ۱۰۱۲: «فأمّا ما ذکر العباسی إنّ ... فلیس یظهر صحّته عن الناصر للحق ع».
- همان: ص ۳۰۸: «... و هذا ما افتی به».
- همان: ص ۱۹۴: «و لا یصلّی التراویح فی رمضان جماعة و لا صلوة الضحیّ، لأنّ جمیع ذلک مخالف لشعار الزیدیة».
- نک: همان: ص ۷۷۶ (در بارهٔ چگونگی ورود رعایای اهل طبرستان بر ناصر)، ۱۰۰۴: (تخاصم دو مرد نزد ناصر در آمل و تعریض ناشایست یکی به دیگری؛ منقول از *المسائل*)، ۱۰۴۸: (فقاع گردانیدن برای ناصر در طبرستان و نوشیدن او از آن).
- همان: ص ۱۹۳–۱۹۴، که هوسمی در باب قنوت صلاة عتمة و سنت ناصر در این باره، قول «جّوان» را بر روایت (رُستم) از ناصر کبیر، بر اساس زمان مصاحبت هر یک با ناصر، ترجیح می‌دهد (افزون بر آنکه موافقت «عترت» – ابوالعباس حسنی و شاگردانش المؤید بالله و برادرش ابوطالب هارونی – را هم مؤید قول جوان می‌شمارد).
- همان: ص ۷۳۳. شایان توجه است که هوسمی این عبارت گویشی را «فارسی» می‌شمارد، همچون نمونه‌های کهن دیگری که امروزه گویشی تلقی می‌شوند و در منابع آن ادوار به عنوان فارسی معرفی شده‌اند.
- مشخصاً: در کاربرد حرف اضافهٔ «دا» به جای «تا» در فارسی معیار (نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۲۹، پانوش ت ۱).
- هوسمی، *الإبانة*: ص ۱۰۳۰: « ... و متی ذکر اسماً من اسماء الله تعالی بالعریة أو بالفارسیة ...».
- همان: ص ۱۰۴۱.
- همان‌جا.
- ابن‌ندیم، *الفهرست*: ۲۴۴.
- همان‌جا. گفتنی است که این بخش از نسخهٔ موجود *الفهرست* افتادگی‌هایی دارد و نام یک یا چند کتاب دیگر از آن ساقط شده است.
- تردید نباید کرد که عنوان کتاب اخیر را علمای امامیه (کسانی همچون نجاشی) با توجه به محتوای اثر (انساب ائمه و فرزندان ایشان از امیرمؤمنان(ع) تا امام حسن عسکری^(ع)) بر آن نهاده‌اند، و نه خود ناصر کبیر.
- نجاشی، *فهرست*: ۵۸.
- برای آثار ناصر کبیر و مخصوصاً کتاب‌های موجود او، نک: سزگین ۱۳۸۰: ۱/ ۸۲۴–۸۲۵؛ رضازاده لنگرودی ۱۳۸۸: ۲۷۱.
- نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۳۸–۴۰.
- برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبانة*، هامش: ص ۳۳ از *الألفاظ*، ص ۶۳ و ۱۳۹ از *الکبیر*، ص ۱۴۰ از *المسائل*، ص ۲۴۱ از *کتاب الصلوة*.
- نک: هوسمی، *الإبانة*: ص ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۳۰، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۹۴، ۲۲۱، ۲۳۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۵، ۳۰۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۴۳، ۳۴۷، ۳۷۰، ۳۹۲، ۴۰۵–۴۰۶، ۴۰۷، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۸، ۵۱۶، ۵۷۴، ۵۷۸، ۶۱۷، ۶۳۴، ۶۴۵، ۷۰۶، ۷۲۷، ۷۳۳، ۷۳۷، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۵ (۲ مورد)، ۷۸۹، ۸۹۳، ۹۰۵، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۵۸، ۹۶۱، ۹۹۴، ۱۰۱۶، ۱۰۲۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱، ۱۰۶۸. در باب *الألفاظ*، ذکر نوشتهٔ هارونی (م ۴۲۴) ضروری است. هارونی می‌نویسد که ناصر کبیر چون در مجلسی می‌نشست، به مسائل کلام و فقه و روایت اخبار و انشاد اشعار متقدمان و متأخران و حکایات مفید می‌پرداخت؛ و ابوعبدالله ولیدی قاضی ملازم مجلس او بود و هرآنچه از وی می‌شنید که از موضوعات علمی و ادبی به شمار می‌رفت و فایده‌ای در آن بود، یادداشت می‌نمود. از این یادداشت‌ها، ولیدی کتابی با عنوان *الفاظ الناصر* تصنیف کرد که کتابی معروف است (هارونی، *الإفادة*: ۵۶). بدین ترتیب، باید ←

الأمالی^۱

الأیمان و النذور^۲

الایوازیات^۳ (قس: مسائل عبدالله بن الحسن الایوازی، در ادامه که محتمل است همین کتاب باشد)

البائدشتیات^۴ (قس: مسائل البائدشتی، در ادامه که به احتمال قوی همین کتاب است)

البساط^۵

تفسیر القرآن / التفسیر^۶

الجعفریات^۷ (قس: مسائل الجعفری، در ادامه)

رسالة^۸

سیر^۹

الصغیر^{۱۰}

العهد الذی کتبه لبعض عماله^{۱۱}

العهد الذی کتبه إلی جعفر بن طاهر^{۱۲}

الکبیر^{۱۳}

کتاب الإحتساب / الإحتساب^{۱۴}

کتاب الأثریة^{۱۵}

کتاب الإمامة^{۱۶}

کتاب بیع امهات الأولاد^{۱۷}

کتاب البیوع^{۱۸}

کتاب الحج^{۱۹}

کتاب الدیات^{۲۰}

کتاب الرهون^{۲۱}

کتاب الشفعة^{۲۲}

کتاب الصلوة^{۲۳}

کتاب الصلوة الکبیر^{۲۴}

کتاب الصوم^{۲۵}

کتاب الطلاق^{۲۶}

کتاب الغصب^{۲۷}

کتاب الفرائض^{۲۸}

→

الألفاظ را اثری از ناصر کبیر دانست که ولیدی آن را گردآوری کرده است. عبارتی در متن *الإبانة* (نک: هوسمی، *الإبانة*: ص ۸۹۳: مثاله ما ذکر فی الألفاظ أن مولی الناصر للحق ع مات و اوصی بأن يجعل فی قبره ...) و همچنین حاشیه‌ای منقول در هامش همان صفحه (نک: هوسمی، *الإبانة*، هامش: ص ۸۹۳: و ذلك ما رواه الولیدی القاضي [حاشیة عبارت: ابی‌احمد بن محمد الولیدی] بأمل أنه قال: سمعنا الناصر للحق ع يقول : (...)، گویای همین نکته در باب کتاب است.

۱. نک: هوسمی، *الإبانة*: ص ۴۹۶، ۹۰۴، ۹۵۵، ۹۸۵.

۲. نک: همان: ص ۴۷۹، ۵۱۹، ۹۸۸، ۱۰۱۸، ۱۰۲۳، ۱۰۴۹.

۳. نک: همان: ص ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۹، ۳۴۰، ۴۰۶، ۴۱۳، ۴۴۲، ۴۶۲، ۵۲۴، ۵۷۷، ۷۳۲، ۹۳۱، ۱۰۴۴. با توجه به عبارت «فإنه سُئل» در ص ۳۱۵، می‌توان پی برد که ساختار این کتاب از نوع کتاب‌های مسائل بوده است.

۴. نک: همان: ص ۳۵۲، ۳۷۳، ۳۷۸.

۵. نک: همان: ص ۵۹۰. برای نسخه‌های خطی این کتاب، نک: سزگین ۱۳۸۰: ۱/ ۸۲۴ *البساط* به کوشش عبدالکریم احمد جذبان در سال ۱۴۱۸ ق در صعه‌ده به چاپ رسیده است.

۶. نک: هوسمی، *الإبانة*: ص ۳۴۹، ۳۸۰، ۷۷۱، ۹۸۸، ۱۰۳۷.

۷. نک: همان: ص ۶۰۵.

۸. نک: همان: ص ۱۰۵۸.

۹. نک: همان: ص ۸۰۱، ۱۰۷۴، نیز: ص ۱۰۶۶ (با تعبیرِ «بعض سیره»).

۱۰. نک: همان: ص ۱۶۰، ۲۲۸.

۱۱. نک: همان: ص ۳۱۸، نیز: ص ۹۰۳ (با تعبیرِ «بعض عهد»).

۱۲. نک: همان: ص ۹۲۱.

۱۳. نک: همان: ص ۵۷، ۱۱۰، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۵۰، ۳۳۸، ۵۰۸.

۱۴. نک: همان: ص ۵۶۹، ۵۸۲، ۵۹۸، ۷۹۵، ۷۹۷، ۱۰۷۴، ۱۰۸۲. برای نسخه‌های خطی این کتاب، نک: سزگین ۱۳۸۰: ۱/ ۸۲۴ *الإحتساب* به کوشش عبدالکریم احمد جذبان در سال ۱۴۲۳ ق در صعه‌ده منتشر شده است.

۱۵. نک: هوسمی، *الإبانة*: ص ۱۰۴۵.

۱۶. نک: همان: ص ۳۱۸، ۴۹۶، ۷۲۵، ۹۱۰، ۹۲۰، ۱۰۵۸. مؤلف *زیدی المحيط بأصول الإمامة* فصل مهمی از کتاب *الإمامة* را (در باب انشعبات فرق شیعی از آغاز تا عصر غیبت) در کتابش نقل کرده است. برای این بخش منقول، نک: رحمتی ۱۳۸۹: ۴۵۸–۴۶۱.

۱۷. نک: همان: ص ۹۳۱، ۱۰۵۰.

۲۰. نک: همان: ص ۹۶۹.

۳۳. نک: همان: ص ۵۹، ۱۱۷، ۱۹۲.

۲۶. نک: همان: ص ۴۵۱، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۴ (۲ مورد)، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۲، ۸۷۱، ۹۳۲.

۲۸. نک: همان: ص ۸۶۱، ۸۶۳.

۱۹. نک: همان: ص ۱۶۲.

۲۲. نک: همان: ص ۶۴۸، ۶۵۰.

۲۵. نک: همان: ص ۳۲۹.

۲۷. نک: همان: ص ۷۰۱.

۱۸. نک: همان: ص ۱۰۳۴.

۲۱. نک: همان: ص ۶۷۱، ۶۷۲.

۲۴. نک: همان: ص ۲۴۱، ۲۴۸.

کتاب القسامة^۱

کتاب المناسک^۲

کتاب النکاح^۳

الکلا ریات^۴ (قس: مسائل اسمعیل بن عبدالله الکلا ری، در ادامه که محتمل است همین کتاب باشد)

المختصر^۵

المسائل^۶

مسائل ابن السّریّ^۷

مسائل اسمعیل بن عبدالله الکلا ری^۸ (قس: الکلا ریات، در قبل که محتمل است همین کتاب باشد)

مسائل الإقرار^۹

مسائل البائثشتی^{۱۰} (قس: البائثشتیات، در قبل که به احتمال قوی همین کتاب است)

مسائل البیوع^{۱۱}

مسائل الجعفری^{۱۲} (قس: الجعفریات، در قبل)

مسائل الدیلم^{۱۳}

مسائل الرهن^{۱۴}

مسائل الزکوة^{۱۵}

مسائل عبدالله بن الحسن الا یوازی^{۱۶} (قس: الا یوازیات، در قبل که محتمل است همین کتاب باشد)

مسائل موسی بن احمد^{۱۷}

الیمانیات^{۱۸} المسائل الیمانیات^{۱۹}

چنانکه می‌بینیم، بسیاری از این کتاب‌ها در نوع نگارشیِ «مسائل» تدوین و تألیف شده‌اند؛ یعنی حاوی پرسش‌هایی‌اند از ناصر کبیر و پاسخ وی به آن پرسش‌ها. برخی منقولات *الإبّانة* از این مسائل،^{۲۰} به خوبی نشان‌دهندهٔ ساختار خاص این نوع شناخته‌شدهٔ نگارشی است که نمونه‌های متعددی در قرون نخستین اسلامی دارد.^{۲۱} همچنین از عنوان برخی از این کتاب‌ها و پاره‌های منقول از آنها در *الإبّانة*، پیداست که ناصر کبیر عهدنامه‌هایی خطاب به برخی کارگزارانش نوشته و آیین مملکت‌داری را به آنان گوشزد کرده است.^{۲۲} افزون بر کتاب‌های مذکور در بالا، باید یادآوری کرد که هوسمی برخی فتاوا و آرای ناصر کبیر را به واسطهٔ فردی با عنوان «عباسی» نقل کرده است.^{۲۳} ظاهراً وی مؤلف کتابی بوده که آرا و اقوال ناصر - بی‌واسطه - در آن گرد آمده بود، و هوسمی این آرا و اخبار را از کتاب او - که نام آن را نمی‌دانیم اما محتمل است که در نوع نگارشیِ «مسائل» بوده باشد - برگرفته و نقل کرده است. شاید کتاب عباسی، یکی از کتاب‌های مذکور در بالا باشد.^{۲۴} هوسمی همچنین از کتابی نقل قول می‌کند که ابوالحسین زاهد در باب «سیر» ناصر تألیف کرده بود؛^{۲۵} کتابی مشتمل بر سخن و سنن ناصر که ظاهراً ابوالحسین بدون واسطه از ناصر شنیده یا دیده بود. در اینجا همچنین باید از دو تن دیگر از مصاحبان ناصر کبیر - با نام‌های ایرانی رایج در شمال ایران - نام برد که هوسمی به نقل اقوال و آرای ناصر به واسطهٔ آنان پرداخته، و ظاهراً هر یک مؤلف کتابی‌اند که از منابع هوسمی بوده است: «رُستم» و «جُوان».^{۲۶}

۱. نک: همان: ص ۹۲۸.

۲. نک: همان: ص ۳۵۹، ۳۶۰ (۲ مورد)، ۳۶۲، ۳۸۲ (۲ مورد).

۳. نک: همان: ص ۳۹۲، ۴۲۲.

۴. نک: همان: ص ۷۲۶.

۵. نک: همان: ص ۸۷، ۱۷۶، ۲۲۶.

۶. نک: همان: ص ۴، ۱۳، ۱۶، ۳۴، ۸۶، ۲۵۹، ۲۸۵، ۳۰۸، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۷۸، ۳۹۷، ۴۳۳، ۴۵۱، ۴۵۹، ۴۸۶، ۵۳۰، ۵۴۰، ۵۶۵ (۲ مورد)، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۴۴، ۶۶۵، ۷۰۵ (۲ مورد)، ۷۲۶، ۷۴۷، ۷۹۱، ۸۲۰ (۲ مورد)، ۸۲۳، ۸۸۷، ۸۸۸، ۹۰۸، ۸۹۸، ۹۵۳، ۹۶۲، ۹۶۶، ۹۶۸، ۹۷۳، ۹۸۴، ۱۰۰۴، ۱۰۰۸، ۱۰۲۰، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۴، ۱۰۴۱ (۲ مورد)، ۱۰۳۶، ۱۰۶۲، ۱۰۶۶، ۱۰۶۸، ۱۰۷۱، نیز: ص ۲۴۴، ۲۹۲، ۷۷۳، ۹۱۰، ۹۳۰، ۹۴۹، ۹۵۹ (با تعبیرِ «بعض مسائله») و ص ۲۹۸ (با تعبیرِ «بعض المسائل»).

۷. نک: همان: ص ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۵۶، ۷۵۷، ۸۹۰، ۸۹۲.

۸. نک: همان: ص ۴۸، ۸۷۹ «کلا ری» منسوب است به کلاردشت در غرب مازندران کنونی.

۹. نک: همان: ص ۸۲۴.

۱۰. نک: همان: ص ۲۱۵، ۲۳۳. «بائثشت» قاعدتاً نام منطقه‌ای دشت‌مانند در شمال ایران بوده است. محل دقیق و نام امروزی آن برای نگارنده معلوم نیست.

۱۱. نک: همان: ص ۵۸۴، ۶۰۶، ۶۱۹، ۸۰۷، ۹۵۴.

۱۲. نک: همان: ص ۹۱۴، ۹۵۴.

۱۳. نک: همان: ص ۲۱۳، ۴۰۵، ۱۰۴۱.

۱۴. نک: همان: ص ۸۱۲.

۱۵. نک: همان: ص ۳۲۳، ۹۲۲.

۱۶. نک: همان: ص ۱۰۲۸، نیز: ص ۱۰۲۰، با عنوان «مسائل حسن بن عبدالله» که ظاهراً سهو القلم کاتب به جای «مسائل عبدالله بن الحسن» است. عبارت مذکور در ص ۸۷۰ (حکای الا یوازی عنه ع) نیز ظاهراً به عبدالله بن حسن بازمی‌گردد. «ایواز» (امروزه: ناصرآباد) اکنون از روستاهای بخش کجور شهرستان نوشهر (در غرب مازندران) است.

۱۷. نک: همان: ص ۴۰۱-۴۰۲، ۴۵۳، ۵۱۶، ۱۰۶۲. در ص ۱۰۶۲ نخست «مسائل الحسن بن احمد» نوشته شده و سپس به «مسائل موسی بن احمد» تصحیح گردیده است.

۱۸. نک: همان: ص ۳۸۳، ۴۶۶، ۱۰۰۹.

۱۹. نک: همان: ص ۴۶۳.

۲۰. نک: همان: ص ۸۸۱-۸۸۲ و ۸۸۵.

۲۱. دربارهٔ متون «مسائل» در ادبیات حدیثی شیعه و یک نمونهٔ کهن از آن، نک: سرخه‌ای ۱۳۸۴.

۲۲. از پاره‌های منقول از این عهدنامه‌ها در *الإبّانة*، می‌توان دانست که این عهدنامه‌ها سبک و سیاقی همانند عهدنامهٔ امیرمؤمنان^(ع) خطاب به مالک اشتر (نامهٔ ۵۳ از *نهج‌البلاغه*) داشته‌اند.

۲۳. نک: هوسمی، *الإبّانة*: ص ۳۳۰ (رواها العباسی عنه)، ص ۸۴۹ (حکای العباسی عنه)، ص ۱۰۱۲ (ما ذکر العباسی).

۲۴. ذکر روایت عباسی از ناصر کبیر را در حواشی هامش *الإبّانة* نیز می‌توان یافت (برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبّانة*، هامش: ۱۰۳۷).

۲۵. نک: هوسمی، *الإبّانة*: ص ۹۲۱: «ذکر ابوالحسین الزاهد عنه فی سیره، أنّه قال: ...».

۲۶. نک: همان: ص ۱۹۳-۱۹۴.

۸. درسنامهٔ فقه ناصری: الإبانة، نگارش‌های پیرامونی و سنت آموزشی

الإبانة متن آموزشی متداولی میان علما و طالب‌علمان ناصری شمال ایران بوده است. شروح و تعلیقات نگاشته‌شده بر این کتاب و گزارش‌هایی که از تعلیم و تعلّم و حل مشکلات آن در دست است، گواه این مدعاست. افندی – بدون آنکه مؤلف *الإبانة* را بشناسد – می‌نویسد که «*کتاب الإبانة فی فقه الناصر للحق* ... کتاب معروفی نزد زیدیه است و علمای آنان بر این کتاب شروح و تعلیقاتی نوشته‌اند».^۱

قدیم‌ترین نگارش‌های پیرامونی *الإبانة*، شرحی است که هوسمی خود بر *الإبانة* نوشت.^۲ پس از وی، فرزندش استاد ابویوسف یعقوب، تعلیقی کبیر بر *الإبانة* نگاشت؛^۳ و شاگرد یعقوب، فقیه ابوعلی بن آموج جیلی (گیلی) که *الإبانة* را نزد او شنیده بود، تعلیقی بر *الإبانة* نوشت.^۴ اما مفصل‌ترین و مهم‌ترین اثر پیرامون *الإبانة*، *زوائد الإبانة* از شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی است، که جامع شروح و تعلیقات پیشین است.^۵ جز اینها، می‌دانیم که حسن بن محمد بن صالح (فرزند مؤلف *زوائد*) نیز حاشیه‌ای بر *الإبانة* نوشته است.^۶ *الإبانة* و شروح و تعلیقات آن، از همان آغاز در یک سنت آموزشی قرار گرفت. به گزارش منابع، اسماعیل میالهیجی، *الإبانة* و «زوائد» آن را نزد فقیه ابوعلی (صاحب *تعلیق الإبانة*) شنید؛^۷ و فقیه باجویه نیز *الإبانة* را نزد مشایخش از جمله اسماعیل میالهیجی استماع نمود.^۸ محمد بن باجویه *الإبانة* و زوائد آن را نزد پدرش سماع کرد، و محمد بن صالح نیز *الإبانة* و *زوائد* آن را نزد مشایخی همچون محمد بن باجویه و مهدی بن ابی‌طالب شنید.^۹

۹. زوائد الإبانة: گردآوری، تهذیب و توضیحات محمد بن صالح گیلانی

در هامش نسخه‌های *الإبانة* شروح و تعلیقات و حواشی بسیاری درج شده است؛ شروح و حاشیه‌هایی که تراویدهٔ ذهن و قلم چند نسل از علمای ناصری شمال ایران است. آن‌گونه که ابراهیم بن قاسم شهاری از نوشتهٔ سید احمد بن میر (امیر) بن ناصر حسنی گیلانی نقل می‌کند، محمد بن صالح کار گردآوری و تلفیق تعلیقات و شروح *الإبانة* و تهذیب و تنظیم آنها را به عهده گرفت و تعلیقات و توضیحات جدیدی از خود به آنها افزود: « ... تولّی زوائد *الإبانة* و شرحها و جمعها و ترصیفها و تهذیبها – مع زوائد و مذکرة زاد علیها – و رتّبها و هدّبها». ^{۱۰} از این نقل مهم، نقش محمد بن صالح در گردآوری و تنظیم و تهذیب تعلیقات و شروح چند نسل از علمای ناصری بر *الإبانة* آشکار می‌شود. عزالدین الهادی إلی الحق (۸۴۵–۹۰۰ ق؛ امام زیدی یمن از شاخهٔ قاسمیه) هم در نوشتاری که به ذکر علمای زیدی قاسمی و ناصری اختصاص دارد، بخشی از نامنامهٔ *زوائد الإبانة* را نقل کرده و مؤلف آن را «فقیه شمس‌الدین محمد بن صالح جیلانی» معرفی نموده است.^{۱۱} بنابراین، شروح و تعلیقات چند نسل از علمای ناصری بر *الإبانة*، به کوشش شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی (از فقهای ناصری گیلان در قرون هفتم و هشتم) ویراسته و آراسته شد و تنظیم و تدوینی دوباره یافت، و با عنوان خاصِ *زوائد الإبانة* نامبردار گردید. حواشیِ مندرج در هامش نسخه‌های *الإبانة*، همین *زوائد الإبانة* محمد بن صالح گیلانی است.

آنچه در پایان بخش پیشین همین مقدمه آوردیم (سماع *الإبانة* و «زوائد» آن در مجالس نزد فقیه ابوعلی، اسماعیل میالهیجی، باجویه و فرزندش محمد و مهدی بن ابوطالب که همگی متقدّم بر محمد بن صالح‌اند)، نشان می‌دهد که پیش از گردآوری و تهذیب و تألیف *زوائد الإبانة* به دست محمد بن صالح و در نسل‌های پیش از او، تعلیقات و شروح پراکندهٔ *الإبانة* را به عنوان «زوائدِ *الإبانة* می‌شناخته‌اند. اما باید تفتّن داشت که اطلاق عنوان «زوائد» به آن شروح و فوائد و تعلیقات، جنبهٔ توصیفی داشته و عنوانی خاص برای یک نگارش پیرامونِ *الإبانة* نبوده است؛ بر خلاف *زوائد الإبانة* محمد بن صالح گیلانی که عنوان خاص یک مجموعهٔ تألیفی در گردآوری و پیرایش و آرایش شروح و تعلیقات پیشین *الإبانة* (از قرن پنجم تا قرن هفتم) و افزودن توضیحات و تذکرات و انتقادات تازه‌ای به آنهاست.

❁

محمد بن صالح گیلانی از فقهای برجستهٔ ناصری در ادوار متأخر است. او را به دانش و تحقیق ستوده‌اند و با القابی همچون «الفقیه العلامة» و «افضل المتأخرین» از وی نام برده‌اند.^{۱۲} در گوشه‌ای از پشت برگ ۴ نسخهٔ *الإبانة* دانشگاه و در کنار نامنامهٔ *زوائد الإبانة*، عبارت « ... الفقیه محمد بن صالح – طاب ثراه – فی سنة سعمأیة هجرية» – به خطی ریز – خوانده می‌شود.^{۱۳} این تاریخ، یا سال اتمام تألیف و تهذیب *زوائد الإبانة* است و یا سال وفات محمد بن صالح؛ بنابراین باید محمد بن صالح را از علمای ناصری اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بدانیم.^{۱۴}

در سلسلهٔ اسناد زیدیان ناصری، زنجیرهٔ روایت و تعلیم *الإبانة* و تعلیقات و توضیحات آن از حسین فرزند محمد بن صالح (مؤلف *زوائد الإبانة*) تا ابوجعفر هوسمی (مؤلف *الإبانة*) دیده می‌شود؛ بدین ترتیب: «الحسین بن محمد بن صالح الجیلانی الناصری ... قراء *الإبانة* و *زوائد*ها ... علی أویه محمد بن صالح الجیلانی عن محمد بن باجویه و مهدی بن ابی‌طالب، ف مهدی سمعها علی عمّه شهردبیر»^{۱۵} و هو سمع علی شهراشویه عن أویه شهردبیر عن أویه کورکیر [= گورگیر؟] علی یعقوب بن الشیخ ابی جعفر الهوسمی عن الشیخ

۱. افندی، *ریاض العلماء*: ۱/ ۲۸۰. طهرانی (۱۴۰۳: ۵۶/ ۱) بر اساس همین نوشتهٔ افندی به معرفی *الإبانة* پرداخته، و خود نسخه‌ای از آن را ندیده است.

۲. نک: پیش از این، بخش ۳ همین مقدمه.

۳. ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۳/ ۱۲۷۲. قاعدتاً بیشتر مطالبی که در حواشیِ هامش *الإبانة* با انتساب به «الاستاذ» نقل شده (تنها برای یک نمونه از موارد بسیار، نک: هوسمی، *الإبانة*، هامش: ص ۲۰۶)، منقول از همین تعلیق کبیر یا مبتنی بر آن است.

۴. ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۱/ ۲۵۲، ۳/ ۱۲۹۰–۱۲۹۱. در حواشی هامش *الإبانة* مطالبی از این تعلیق نقل شده است. برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبانة*، هامش: ص ۳۴، ۱۰۰، ۱۰۹، ۲۰۶.

۵. نک: پس از این، بخش ۹ همین مقدمه.

۶. ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۱/ ۳۹۴.

۷. همان: ۱/ ۲۵۲.

۸. همان‌جا؛ نیز: ۱/ ۲۶۲.

۹. همان: ۲/ ۹۸۶.

۱۰. همان: ۲/ ۹۸۷.

۱۱. نک: پیوست ۲. عزالدین الهادی دربارهٔ «شرح» *الإبانة* – که ظاهراً منظور از آن همان *زوائد الإبانة* محمد بن صالح است – می‌نویسد که این اثر دربردارندهٔ مطالبی از علوم است که در جای دیگری نیست (دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶/ ۱۲۷، بند ۲۴).

۱۲. ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲/ ۹۸۶.

۱۳. نک: پیوست ۱؛ تصویر نامنامهٔ *زوائد الإبانة* (از نسخهٔ دانشگاه) و عبارت مزبور را در همین مقدمه ببینید.

۱۴. دو فرزند محمد بن صالح، یعنی حسن و حسین، خود از علمای ناصری گیلان و از شاگردان پدراند. حسن صاحب حاشیه‌ای است بر *الإبانة* (ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲/ ۳۹۴)، و حسین فقیهی است که *الإبانة* و *زوائد* آن را نزد پدرش استماع نمود (همان: ۱/ ۳۹۳؛ نیز نک: ۲/ ۹۸۶، که به شاگردی وی نزد پدر اشاره می‌کند). در حاشیهٔ *زوائد الإبانة* برخی نظرات حسین بن محمد بن صالح درج شده است (نک: پس از این).

۱۵. در اصل: شهردیر (کذا).

ابی‌جعفر الهوسمی **المؤلف**». ^۱ نامنامهٔ *زوائد الإیانة* (با عنوان: «فصل فی تفاسیل العلماء من السادات و الفقهاء») ^۲ با ذکر نام فقیه محمد بن باجویه – که استادِ محمد بن صالح است – ^۳ و محمد بن صالح پایان می‌پذیرد؛ ^۴ و البته پذیرفتنی است که نامنامهٔ *زوائد* – که ترتیبی تاریخی دارد – با نام مؤلف و استاد وی به پایان آمده باشد.

❖

زوائد الإیانة، متنی است قابل اعتنا که آگاهی‌های گرانبهایی از فقهای ناصری ایران در قرون پنجم تا هفتم و آثار و آرای فقهی آنان به دست می‌دهد. در *زوائد* آرا و فتاوای فقهی ائمه و فقهای زیدی و غیر زیدی نقل و به اختلاف میان آنها توجهی خاص شده (از فقه امام محمد باقر^(ع) و امام جعفر صادق^(ع) گرفته تا رأی مالک و ابوحنیفه و شافعی)، و مخصوصاً نقل‌قول‌های فراوانی از علما و فقهای ناصری شمال ایران آمده است. نام و عنوان بسیاری از این علمای ناصری را در نامنامهٔ آغاز *زوائد* می‌توان دید.^۵ از جملهٔ علمای ناصری متأخر (در قرن هفتم) که قول آنان در *زوائد* نقل شده ولی در نامنامهٔ *زوائد الإیانة* ذکری از ایشان نیست، «ابوالفضل بن شهردویر»^۶ است (مؤلف تفسیر *کتاب‌الله*) و پدرش «فقیه شهردویر بن فقیه یوسف»^۷ و برادرش «اسمعیل بن شهردویر»؛^۸ همچنان‌که منظور از «الامام بهاءالدین» در *زوائد*^۹ باید همان «بهاءالدین یوسف» باشد که جدّ ابوالفضل دیلمی است و خود دیلمی نیز از او با همین تعبیر یاد می‌کند.^{۱۰}

در بسیاری موارد، پس از نقل آرا و اقوال دیگران، نظرات و آرای شمس‌الدین محمد بن صالح (مؤلف و مهذبِ *زوائد*) با عناوینی همچون «قال شمس‌الدین»،^{۱۱} «ذکره شمس‌الدین»،^{۱۲} «قال محمد بن صالح»،^{۱۳} «قال الفقیه محمد بن صالح»،^{۱۴} «ذکره محمد بن صالح»،^{۱۵} «ذکر محمد بن صالح»^{۱۶} درج شده است.

در حواشی و شروح گردآمده در *زوائد*، گه‌گاه به مستندات هوسمی در استخراج آرای فقهی ناصر کبیر و تلفیق‌های وی از نصوص مختلف ناصر در آثارش اشاره شده؛^{۱۷} و به تکرار از کتاب‌های ناصر نقل قول گردیده است.^{۱۸} در *زوائد* همچنین اشاراتی به اختلاف نسخه‌های برخی آثار ناصر با متن منقول در *الإیانة* هست.^{۱۹} در *زوائد* همچنین از کتاب‌های متعددی از مؤلفان دیگر نام برده و نقل قول شده و یا به مطالب آنها استناد گردیده است. از جمله این کتاب‌ها یکی *الایجاز* است که نقد مؤلف آن بر استنباط هوسمی از رأی ناصر کبیر در *زوائد* نقل شده است.^{۲۰} در این میان، نکتهٔ قابل اعتنا توجه و تأکید خاصی است که در *زوائد* بر آرا و اجتهادات ناصر کبیر در برابر آرای دیگران – حتی زید بن علی – دیده می‌شود.^{۲۱}

در حاشیهٔ *زوائد* یا در میانهٔ آن، مسئله‌های فقهی بسیاری نوشته شده است.^{۲۲} در پایان برخی از این مسائل تصریح شده که این مسئله مطابق با فتوای محمد بن صالح است.^{۲۳} برخی از این مسئله‌ها، از نظر شناخت مسائل مبتلاّبه زیدیان ناصری دارای اهمیت است. یکی از این مسائل که به فارسی آمیخته به عربی^{۲۴} است (همانند حاشیه‌های تفسیریِ هامش *تفسیر کتاب‌الله*) و از منظر تاریخ اجتماعی زیدیان ناصری شمال ایران در قرون هفتم و هشتم و مخصوصاً نوع نگاه آنان به شیعیان امامی شایان توجه بسیار است، مسئلهٔ زیر است: «مسئله: زن را که امامیه باشد برآء (برای) ناصریه عقد کرده باشند، ان (آن) عقد درستست و مجرد کونها امامیه لا یكون کفراً إذا لم [تکن] مجبرّیه او مشبّهیه. فإن کانت مجبرّیه او مشبّهیه، ففساد النکاح لأجلهما لا لأجل کونهما امامیه؛ لأنّ الناصرللحق ع لم یکفرهم، کما قال م‌الله: الناصرللحق ع قبل روايتهم لأنّه لم یثبت عنده ق‌دحهم؛ و هذا الصریح منه بأنّ الناصرللحق ع لم یکفرهم و من قال بخلاف ذلک سها و لا عیب للإنسان فی السهو و إنّما العیب فی الخطأ. و چون بعد تسلیم نفس دعوی فساد نکاح کند دعوی باطل است، لأنّه جار مجری الإقرار بالزوجیه الصحیحة و الدعوی بفساد النکاح بعده رجوع من الإقرار و هو لا یصحّ فی شرع الله الملك القهّار. و اگر پدرِ صغیره او را یا برادرِ همشیرهٔ خود را بشخصی (به شخصی) داده باشد و ان (آن) شخص بسبب (به سبب) خوف اقرار کرده که او را برادر وی در حالهٔ (حالت) صغر او بوی (به وی) داده است و الحال هذه، این اقرار درست نیست لأنّ من شرائط صحّته الطوع و الرغبة و لا یصحّ مع الخوف و الرهبة. من فقیه احمد الکوکئی».^{۲۵}

❖

چنانکه شواهد موجود گواهی می‌دهد، *زوائد*ِ ویراسته و آراستهٔ محمد بن صالح گیلانی، از روزگار تألیف و تدوین به عنوان یک متن درسی نزد زیدیان ناصری شمال ایران

- ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۱/ ۳۹۳. با توجه به آنچه در بخش ۸ همین مقدمه گذشت، طریق دیگر محمد بن صالح در قرائت و تعلیم *الإیانة* را باید چنین ترسیم کرد: ... محمد بن صالح **علی** محمد بن باجویه **علی** آبیّه باجویه **علی** اسماعیل المیالهی **علی** فقیه ابوعلی بن آموچ **علی** ابویوسف یعقوب **علی** آبیّه الشیخ ابوجعفر الهوسمی **المؤلف**.
- نک: پیوست ۱.
- نک: همان، حاشیهٔ آخر بند ۹؛ ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۲/ ۹۸۶.
- پیوست ۱، بند ۹.
- نک: پیوست ۱ و ۲.
- نک: هوسمی، *الإیانة*، هامش: ص ۱۰۶۰. در اصل به اشتباه «ابالفضل بن شهروین» آمده است.
- نک: همان: ص ۶۸.
- نک: همان: ص ۷۳۵. در اصل «اسمعیل بن شهردبیر» آمده است. «شهردبیر» (به معنایِ «دبیرِ شهر») صورتِ معیارِ «شهردویر» است. صورت «شهردبیر» را در هامش ص ۹۸۱ نیز می‌توان دید: «قال الفقیه شهردبیر بن علی ...». همین نام در نامنامهٔ آغاز *زوائد* به صورت «شهردویر بن علی» آمده است (نک: پیوست ۱، بند ۹؛ پیوست ۲، بند ۶. برای صورت «شهردویر»، نیز نک: هوسمی، *الإیانة*، هامش: ص ۶۸). تا پیش از قرون هفتم و هشتم، شهردویر نامی رایج در شمال ایران بوده است (برای نمونه‌هایی چند، نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۷، پانوشث ۳).
- نک: هوسمی، *الإیانة*، هامش: ص ۴۰۹.
- نک: عمادی حائری ۱۳۸۸: ۱۶. دربارهٔ بهاء‌الدین یوسف، فرزند او شهردویر و و احفاد وی – عباس (ابوالفضل) و اسمعیل –، نک: انصاری ۱۳۸۹.
- برای نمونه، نک: هوسمی، *الإیانة*، هامش: ص ۱۷، ۳۴–۳۵، ۴۱، ۵۹، ۹۴–۹۵، ۱۰۴، ۱۲۷، ۱۳۱.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۲۲.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۶۰، ۶۴، ۶۹، ۷۸، ۱۰۴، ۱۱۰.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۳۲.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۳۲، ۳۷.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۳۲.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۱۲۶: «و الشیخ خرج هذا التلغیق من نصٍّ علیه فی موضعین ...».
- برای نمونه، نک: همان: ص ۳۳ از *الألفاظ*؛ ص ۶۳ و ۱۳۹ از *الکبیر*؛ ص ۱۴۰ از *المسائل*؛ ص ۲۴۱ از *کتاب الصلوة*؛ ص ۹۶۹ از *مسائل الدیلم*؛ ص ۱۰۲۳ از *الأیمان و الندور*؛ ص ۱۰۵۰ از *کتاب بیع امهات الاولاد*؛ ص ۱۰۶۷ از *اصول الدین*.
- نک: همان: ۸۶۸: «و فی بعض النسخ: فی ید ورتة الأب ثمانون درهماً؛ وهو الصحیح علی التقدیر و علی تفسیر الفقیه مرداکیر ایضاً و ما فی الکتاب صحیح علی تقدیر واحد و هو ...»؛ در برابر ضبط متن که چنین است: «... سبعون درهماً ...». در حاشیهٔ دیگری در هامش همان صفحه که قول فقیه مرداکیر (مرداگیر؟) را نقل می‌کند، از وی با عنوان «الفقیه الشهید مرداکیرا» یاد شده است.
- نک: همان: ص ۴۱۳.
- برای نمونه، نک: همان: ص ۹۳، ۱۰۹، ۴۲۶، که با ذکر اختلاف نظر ناصر کبیر با دیگر ائمه و پیشوایان فرق از جمله زید بن علی، از ناصر کبیر با نشان «ع» [= علیه السلام] و از زید بن علی بدون ذکر این نشانه یاد می‌کند (نیز نک: همان: ۹۵۹؛ که با ذکر نظر همسان ناصر کبیر و زید بن علی، از ناصر با نشان «ع» و از زید بن علی بدون ذکر این نشان نام می‌برد). این امر گویای جایگاه ویژهٔ ناصر کبیر نزد ناصریه، و استقلال کامل وی در استنباط و اجتهاد است.
- برای نمونه‌ای آشکار که تمام صفحه به این مسائل اختصاص یافته، نک: همان: ص ۴۱۱.
- نک: همان‌جا، که تعبیر «افتی به محمد بن صالح» (۲ مورد) و «من فتویٰ شمس‌الدین» در پایان مسئله آمده است.
- برای نمونه‌ای دیگر از مسئله‌های فقهی فارسی، نک: همان: ص ۵۴۳.
- همان: ص ۴۱۱. در نقل این متن، رسم‌الخط نسخه را نگاه داشته‌ایم و در صورت ضرورت، شکل امروزین و رایج آنها را درون کمانک آورده‌ایم.

شناخته شده و ایشان به کتابت و قرائت آن – همراه با متن *الإبانة* – اهتمام داشته‌اند. بنابر گزارش ابراهیم بن قاسم شهارى، شرف‌الدین حسین بن محمد بن صالح *الإبانة* و *زوائد* را بر پدرش قرائت کرد^۱ و فرزندش یحیی بن حسین و احمد بن منصور لاهیجی آن را نزد وی شنیدند؛^۲ فقیه ناصری شهاب‌الدین احمد بن منصور بن احمد لاهیجی، *الإبانة* و *زوائد* را نزد قاضی یحیی بن لقمان شریحی^۳ شنید و برای حل مشکلات *زوائد* به حسین بن محمد بن صالح (فرزند مؤلف که *زوائد* را بر پدرش قرائت کرده بود) و یحیی بن حسین بن محمد (نوهٔ مؤلف) رجوع نمود؛^۴ سید شهاب‌الدین احمد بن میر (امیر) بن ناصر حسنی جیلانی، *الإبانة* و *زوائد* را از شیخش احمد بن منصور لاهیجی شنید و از طرف دیگر علی بن سلیمان شباطی نزاری آن را نزد او سماع نمود و سید شهاب‌الدین اجازهٔ عام قرائت و تدریس آن را به وی و همهٔ راغبان قرائت کتاب عطا کرد.^۵

مطالب *زوائد* گاه مورد توضیح و تعلیق علمای ناصری بعدی قرار گرفته و ساختاری شرح در شرح پدید آورده است. بنابراین، حاشیه‌های هامش *الإبانة* شامل تعلیقات و توضیحات و اضافاتی غیر از *زوائد* نیز هست؛ مانند مطالب یا مسئله‌هایی که از حسین فرزند محمد بن صالح^۶ – با عباراتی همچون «قال حسین بن محمد»^۷ یا «ذکره الفقیه الحسین بن محمد»^۸ یا «کتبه حسین بن محمد بن صالح»^۹ یا «من فتوی الامام الحسین بن محمد»^{۱۰} یا «أفتی به حسین بن محمد بن صالح»^{۱۱} – دیده می‌شود.^{۱۲}

بررسی دقیق *زوائد الإبانة*، استخراج کامل منابع و مراجع آن و تفکیک افزوده‌های بعدی از متنِ ویراسته و آراستهٔ محمد بن صالح، فرصتی فراخ‌تر از این مقدمه می‌خواهد.

۱۰. اشارتی در باب نسخه‌برگردان حاضر

برای آنکه نمونه‌ای از متن *الإبانة* و شروح و تعلیقات آن در دسترس اهل تحقیق باشد و ساختار ویژهٔ دستنویس‌های آن نیز به صورتی ملموس برای خوانندهٔ این مقدمه تصویر شود، بخش‌های «کتاب الصلوة»، «کتاب الدعاوی و البینات» و «کتاب السیر» از نسخهٔ کهن *الإبانة* محفوظ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی (نسخهٔ شمارهٔ ۲۳۵ مجموعهٔ امام جمعهٔ خویی) به گونهٔ نسخه‌برگردان و در قطع اصل نسخه منتشر شده و تصویر سراسر این دستنوشت در یک لوح فشرده عرضه گردیده است. بخش‌های مذکور را با توجه به اهمیت مباحث مطرح در آنها برگزیده‌ایم، تا بنابر محتوای آنها مجالی بهتر برای تحلیل دقیق‌تر آرا و آموزه‌های عبادی، اجتماعی و اعتقادی زیدیان ناصری فراهم آید. «کتاب الصلوة»، «کتاب الدعاوی و البینات» و «کتاب السیر» به ترتیب در صفحات ۱۱۷–۲۶۵، ۹۰۳–۹۵۶ و ۱۰۵۷–۱۰۸۳ دستنوشت جای دارند.^{۱۳} شماره‌های سرخ‌رنگی که ما در کنارهٔ صفحات نهاده‌ایم نیز مطابق با اصلِ نسخهٔ خطی است.

وصف اجمالی نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس پیش‌تر در پایان بخش ۴ و آغاز بخش ۵ همین مقدمه گذشت. این نسخه، ترقیمه، نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد؛ اما عبدالحسین حائری که نسخه را فهرست کرده، آن را از حدود قرن هشتم هجری دانسته است.^{۱۴} از برخی قرائن می‌توان دانست که این نسخه به دست دو یا سه کاتب استنساخ شده و سپس بخش‌های استنساخ‌شدهٔ هر یک از آنان را به یکدیگر متصل کرده‌اند.^{۱۵} در عنوان برخی باب‌ها، جدای از خوشنویسی عناوین، برخی جلوه‌های هنری را هم در رسم برخی درختواره‌های اسلیمی‌مانند می‌توان دید.^{۱۶}

آنچه در پایان مقدمهٔ نسخه‌برگردان تفسیر *کتاب‌الله* آورده‌ام، در اینجا تکرار می‌کنم: «تنها نگاهی اجمالی به نسخه‌های این اثر به خوبی نشان می‌دهد که جز با چاپ عکسی، نمی‌توان این متن را آن گونه که هست برای خواننده تصویر کرد».^{۱۷}

سَیِّد مُحَمَّد عمادی حائری

شهریور ۱۳۸۹ ش

۱. ابراهیم بن قاسم، *طبقات الزیدیه الکبری*: ۱/ ۳۹۳.

۲. همان‌جا.

۳. در اصل: سریحی.

۴. همان: ۱/ ۲۱۰–۲۱۱.

۵. همان: ۱/ ۲۱۳.

۶. در حاشیهٔ نامنامهٔ آغاز *زوائد الإبانة* نیز نظری از وی نقل شده است (نک: پیوست ۱، حاشیهٔ ۶ بند ۹).

۷. برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبانة*، هامش: ص ۱۹.

۸. همان: ص ۴۱۱.

۹. همان‌جا.

۱۰. همان‌جا.

۱۱. همان: ص ۳۰۹.

۱۲. نیز نک: همان: ص ۴۲۵. «... ذکره شمس‌الدین و قال ابنه الفقیه الحسین: و هذا ...». در یکی از این حاشیه‌ها که احتمالاً از افزوده‌های پس از محمد بن صالح است، ذکری از استاد حاشیه‌نویس با این عبارت هست: «قال استاذنا المعظم الفقیه حامد الخشکردی – نورَ الله قبره – إنّ فی الحاشیه اضطراباً لأنّه قال ...». پس از پایان این مطلب، در ردّ این اعتراض چنین آمده است: «أقول: لا یرد هذا الإعتراض لأنّه ... من فقیه احمد و مضمونه عین مضمون قول فقیه حامد» (همان: ص ۸۵۶).

۱۳. محمدکاظم رحمتی باب اول «کتاب السیر» *الإبانة* را بر اساس همین نسخه (ص ۱۰۵۷–۱۰۶۷؛ در نوشتهٔ رحمتی به اشتباه ۱۰۵۶–۱۰۶۶ آمده است) منتشر کرده است (نک: رحمتی ۱۳۸۶: ۲۷۳–۲۷۴).

۱۴. حائری ۱۳۴۶: ۷/ ۳۸۵.

۱۵. مقایسه کنید صفحات ۴۷۰ و ۴۷۱ نسخه را (که نیمی از صفحهٔ اخیر سفید مانده) با صفحات ۴۷۲ (که در آغاز آن بسمله و حمدله آمده است) و ۴۷۳ نسخه، که تفاوت خط‌ها را هم به روشنی نشان می‌دهد؛ نیز نک: ص ۲۰۹–۲۱۲، با توجه به این نکته که ص ۲۱۰–۲۱۱ سفید مانده است.

۱۶. برای نمونه، نک: همان: ص ۴، ۹۵۷، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۸۰.

۱۷. عمادی حائری ۱۳۸۸: ۳۳.

پیوست ۱

«فصل: فی تفاصیل العلماء من السادات و الفقهاء»

(نامنامهٔ *زوائد الإیانة*)

سراسر صفحهٔ پشتِ برگ ۴ نسخهٔ *الإبانة* دانشگاه تهران (همراه با *زوائد الإبانة* در هامش)، به نامنامه‌ای با عنوانِ «فصل فی تفاصیل العلماء من السادات و الفقهاء» اختصاص یافته است (تصویر صفحهٔ مذکور را در همین مقدمه آورده‌ایم).

دانش‌پژوه متن این فصل را به عنوان «مشيخة زیدی»، در مقاله‌ای به سال ۱۳۵۰ ش منتشر کرد و دیگربار آن را در سال ۱۳۵۷ در *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی د/تسگاه تهران* تجدید چاپ نمود.^۱ اما این نامنامهٔ یک صفحه‌ای نه تنها «مشيخه» در مفهوم فنی آن – و در هیچ یک از انواع شناخته‌شدهٔ این نوع نگارشی – به شمار نمی‌رود، بلکه اساساً نوشتاری مستقل نیز نیست. این نامنامه توضیح علائم و اختصاراتی است که شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی (مؤلف و مهذبِ *زوائد الإبانة*) برای ذکر نام فرق یا ائمه و علمایی که آرا و نظرات آنان را ذکر کرده در نظر گرفته، و در حکم فهرست نشانه‌های اختصاری *زوائد الإبانة* است. دقیقاً نمی‌توان گفت که این فصل را محمد بن صالح خود در آغاز *زوائد الإبانة* جای داده یا آنکه بعدها دیگران آن را به ابتدای *زوائد الإبانة* ویراسته و آراستهٔ وی افزوده‌اند؛ هرچند احتمال دوم – بنا به قرائنی چند – قوی‌تر می‌نماید.^۲ در هر صورت، با توجه به عنوان «فصل» (که تقسیم‌بندی *زوائد الإبانة* نیز بر اساس این عنوان است) در آغاز این نامنامه و با تکیه بر اینکه همهٔ اسم‌ها، عناوین و صورت‌های اختصاری (مانند: «الم بالله» به نشانهٔ «المؤیدبالله» و «ش» به نشانهٔ «شافعی») مندرج در این نامنامه در *زوائد الإبانة* تکرار می‌شوند،^۳ می‌توان گفت که این نامنامه جزئی از *زوائد الإبانة* به شمار می‌رفته است. روایت عزالدین الهادی إلی الحق (۸۴۵–۹۰۰ ق) از این فصل و تصریح وی به آنکه این فصل جزئی از آغاز *زوائد الإبانة* است،^۴ تردیدی در اینِ استنباط باقی نمی‌گذارد. در هامش این نامنامه حاشیه‌هایی توضیحی آمده (تقریباً به همان شیوهٔ سنت کتابتی نسخه‌های *الإبانة*) که حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ علمای ناصری شمال ایران است، اطلاعاتی که شاید برخی از آنها را نتوان در جایی دیگر یافت. حاشیه‌های مزبور به زبان عربی نوشته شده، اما از بعضی تعبیرات آن پیداست که محشّی به فارسی می‌اندیشیده ولی به عربی می‌نوشته است. با توجه به برخی اغلاطِ حواشی این نامنامه – که نشان می‌دهد نامنامهٔ مزبور از روی نسخه‌ای دیگر نقل شده – و نیز با توجه به نقل گزارش‌گونهٔ عزالدین الهادی إلی الحق از این نامنامه، باید گفت که دست کم برخی نسخه‌های *الإبانة* (همراه با *زوائد الإبانة* در هامش) این نامنامه را در آغاز خود داشته‌اند.

با توجه به اهمیتی که نامنامهٔ مورد اشاره در شناخت مراجع و منابع *زوائد الإبانة* و سنت فقهی زیدیان ناصری دارد، متن – و حواشیِ هامش – آن را از روی نسخهٔ دانشگاه نقل می‌کنیم. به منظور سهولت قرائت این «فصل» و فهم بهتر آن، متن نامنامه را بند بند کرده و شماره‌گذاری نموده‌ایم و حواشیِ هامش را در پانوشت‌ها (با قیدِ «حاشیه» در آغاز آنها) جای داده‌ایم. در مواردی که رسم‌الخط متن را تغییر داده‌ایم یا علائم اختصاری را به صورت کامل آنها برگردانیده‌ایم، ضبط نسخه را با قیدِ «اصل» درون کمانک آورده‌ایم. همچنین علائم اختصاری که این نوشته در شرح آنهاست، با حروف سیاه مشخص شده‌اند.

فصل

فی تفاصیل العلماء من السادات و الفقهاء (اصل: الفقها)

- [۱] الهادی یحیی – ع – ،^۵ و ابناؤه (اصل: ابناه) احمد بن یحیی – ع – و محمد بن یحیی – ع – ، و ابوالعباس الحسنی – ع –^۶ و المؤیدبالله – ع – و اخوه السید ابوطالب– ع – ،^۷ إذا اتَّفَقوا فی مسئله، یقال لهم: *القاسمیة* – ع – (اصل: *القسمیة* ع) و *السادة* ایضاً.
- [۲] و المؤیدبالله (اصل: الم بالله) و اخوه السید ابوطالب^۸ (اصل: السید ط)، إذا اتَّفَقا فی مسئله، یقال لهما: *الأخوان*.

۱. نک: دانش‌پژوه ۱۳۵۰: ۱۸۲–۱۸۷؛ همو ۱۳۵۷: ۱۶/ ۳۱۶–۳۱۸.

۲. گو اینکه در روایت عزالدین الهادی إلی الحق، این نامنامه صراحتاً به محمد بن صالح نسبت داده شده است (نک: پیوست ۲).

۳. تنها برای نمونه، نک: هوسمی، *الإبانة*، نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس، هامش: ص ۳۱ (رویناها عن الفقیه ابومنصور)، ص ۳۲ (و هو مذهب ح و عند القاسم و ش لایجوز ... ؛ عند اهل البيت ع و الفریقین ...)، ص ۳۳ (استحباًباً علی ما ذکره الشیخ و هو مذهب القاسمیة و الفقهاء ... و نصره البستی ... اما عند الشیخ ...)، ص ۳۳ (عند اهل البيت ع و الفقهاء)، ص ۳۴ (فذكر الحافظ و صاحب /المسفر)، ص ۳۴ (فذكر الفقیه ابوعلی)، ص ۳۴ (قال الاستاذ ابویوسف)، ص ۳۷ (علی ما ذکره الشیخ و هو مذهب ش)، ص ۴۸ (... علی ما ذکر الشیخ و صاحب /المرشد و *الهادیة* و ابوالفضل الناصر و القاسمیة)، ص ۶۴ (عند اهل البيت ع و ش)، ص ۶۵ (و نصره المتأخرون)، ۷۸ (علی ما ذکره ابوالقاسم و نصره ابومنصور بن علی و مثله فی /المرشد و *النهاية الأمانیة* و ذکر الفقیه جمال‌الدین)، ص ۸۰ (عنده ع و الباقر و الصادق ع و مالک و ش و عند القاسمیة و ح و احمد و نصره ابوالقاسم البستی و صاحب /المرشد و الشیخ رحمه الله)، ص ۱۳۴ (عنده ع و الإمامیه و عند م‌بالله)، ص ۲۱۳ (و ذکر السید ط و ابوالفضل الناصر ...)، ص ۴۱۴ (علی ما ذکره الشیخ و الاستاذ و صاحب /المرشد و هو قول القاسمیة و ح. قال البستی و صاحب /المسفر: یجب أن یکون ...)، ص ۱۰۱۲ (قال المتأخرون)، ص ۱۰۸۳ (واختلف العلماء فی ... و إلیه أشار الشیخ ... و نصره الاستاد و مثله أفتی صاحب /المغنی ... و عند سائر العتره ... و نصره الناصر الرضی لمذهب جدّه الناصر للحق ع و هو الذی یدهب شیخنا علی بن اصفهان ... و به أفتی ابنه ابومنصور ...). در *زوائد* همچنین اقوال «فقیه شهرآشویه/ شهرآشویه» به طور مکرر نقل شده است (برای نمونه، همان: ص ۵۹، ۶۷، ۷۸–۷۹، ۸۱، ۹۸، ۱۰۹، ۱۲۴). در نسخهٔ *الإبانة* کتابخانهٔ مجلس، در ابواب نیمهٔ نخست کتاب به جای «شهرآشویه» در بیشتر موارد «شهراشو» آمده (همان‌جاها) و در مواردی نیز «شهرآشویه» (همان: ص ۴۲۳). اما از نیمه‌های کتاب به بعد – که نسخه به خط کاتب دیگری است – هر سه صورتِ «شهراشو» (برای نمونه: همان: ۶۸۷، ۸۰۱)، «شهرآشویه» (برای نمونه: همان: ۵۹۵) و «شهرآشویه» (برای نمونه: همان: ۶۰۵) دیده می‌شود. جالب است که در برخی صفحات (برای نمونه: همان، ص ۵۵۰ و ۸۸۵) هم صورتِ «شهرآشویه/ شهرآشویه» آمده و هم صورتِ «شهرآشو». «شهرآشو» و «شهرآشویه» را باید صورتی گویشی از «شهرآشوب/ شهرآشویه» به حساب آورد.

۵. حاشیه: و هو یحیی بن الحسین بن القاسم (اصل: القسم) بن ابراهیم بن عبدالله بن الحسن – ع – ؛ و قبره – ع – فی صورة – بلدة من بلاد الیمن – .

۶. حاشیه: اسمه احمد بن ابراهیم، صاحب *النصوص و شرح الاحکام و المصابیح*؛ و هو خال المؤیدبالله (اصل: الم بالله) و السید ابوطالب (اصل: السید ط) و استادهما؛ و مشهده بد آمل طبرستان.

۷. حاشیه: اسم المؤیدبالله (اصل: الم بالله) احمد، و اسم السید ابوطالب (اصل: السید ط) یحیی؛ و هما: ابن الحسین بن هارون (اصل: هرون) ابن الحسین بن محمد بن القاسم (اصل: القسم) بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب – صلوات الله علیهم اجمعین – . و مشهد المؤمن بالله (اصل: الم بالله) بد لنگاو؛ و (اصل: – و) مشهد سید ابوطالب (اصل: سید ط) بد آمل بجوار مشهد الناصر للحق – علیه السلام – (اصل: علیه السلم).

۸. در اصل حاشیةٔ توضیحی مربوط به «الشافعی» (در بند ۷) در اینجا با خط به «السید ط» مربوط شده، که اشتباهی فاحش است. ما این حاشیه را به جای مربوط به خود در بند ۷ بازگردانیده‌ایم.

[۳] و ابوالعباس الحسنی و تلمیذه السيد ابوطالب، إذا اتَّفقا فی مسئله، يقال لهما: **السَيِّدان**.

[۴] وإذا اتَّفَق معهم الإمام الناصر للحق - عليه السلام (اصل: عليه السلم) -^١ يقال لهم: **اهل البيت - ع** - .

[۵] و صاحب *الهداية*^٢ الشيخ ابوطالب السولشی، و صاحب *المسفر* علی بن محمد الإبرانی، و صاحب *المرشد*^٣ حسین بن علی الحسینی، و صاحب *المغنی*^٤ علی بن فیرمرد^۵

لاهجانی، و الشيخ ابوالقاسم البستی، و الناصر الرضی،^۶ و الشيخ ابوطالب الفارسی الشلمانی،^۷ إذا اتَّفَقوا فی مسئله، يقال لهم: **المشائخ**.^۸

[۶] وإذا اتَّفَق الشيخ ابوجعفر الهوسمی^٩ و الشيخ ابوالقاسم البستی^{١٠} (اصل: التستی) فی مسئله، يقال لهما: **الشيخان**.

[۷] وإذا اتَّفَق الشافعی^{١١} - محمد بن ادريس - و ابوحنيفه نعمان بن ثابت، يقال لهما: **الفريقان**.

[۸] وإذا اتَّفَق معهما مالک، يقال لهم: **الفقهاء**.

[۹] و (اصل: و إذا اتفق) الفقيه شهراشويه الديلمی^{١٢} و الشيخ ظ الديلمی^{١٣} و ابنه ابومنصور بن علی و ابویوسف بن جمال‌الدین الخانکجی و احمد بن داعی بن حسین التنهيجی و

مدکیاء البخاری التنهيجی^{١٤} و الفقيه حربی‌دوست الملاتی و الفقيه شهردوير بن علی^{١۵} تلميذ^{۱۶} جمال‌الدین و ابوالفضل الناصر الحسینی^{١٧} و السيد ابوالرضی و السيد اشرف^{١٨} و الفقيه

ابوالرضی و الفقيه باجويه و ابنه (اصل: ابناه) محمد بن باجويه^{١٩} و الفقيه محمد بن صالح و من فی طبقتهم من الفقهاء و العلماء إذا اتَّفَقوا فی مسئله، يقال لهم: **المتأخرون**. رضی الله

تعالی عنهم و عن محبَّيهم.



نامنامه زوائد الإبانة

برگ ۴ پ نسخه شمارهٔ ۶۶۲۳ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران

۱. حاشیه: اسمه حسن بن علی - عليه السلام - ؛ و مشهده بـ آمل طبرستان فی دار قاسم بن علی، و قبره مشهور و مزور الآن.

۲. حاشیه: اسمه یحیی بن موسی؛ و لقبه الشيخ ابوطالب (اصل: الشيخ ط) السولشی؛ المدفون فی قرية کَمَلَه. صَنَّف کتابین: احدهما *الهداية* للناصر للحق - ع - ؛ و الآخر *التفريعات* للهادی - ع - .

۳. حاشیه: ابن أخ الناصر للحق - ع -؛ المدفون بـ لاهجان فی جانب سمروء؛ و هو أب زوجة الحسين الناصر - رحمه الله - (اصل: رحمه).

۵. چنین است در اصل. «فیرمرد» صورت دیگری است از «پیرمرد»، مانند کاربرد «فارسی» به جای «پارسی».

۶. حاشیه: و قبر الناصر الرضی فی برفجان؛ و قيل إنَّ قبر (اصل: قبراین قبر) ابی‌الفضل الناصر هناك ايضاً.

۷. حاشیه: صاحب *التقرير فی شرح التحرير* و صاحب *مجلس الغدير*؛ و له تصانیف کثیرة.

۹. حاشیه: محمد بن یعقوب القرشی، صاحب کتاب *الإبانة*؛ و قبره مشهور فی هوسم. کتَبته (اصل: کتبه) من الشيخ (اصل: الشیر؟) الفقيه حاجی حسن - رحمه الله - (اصل: رحمه).

۱۰. حاشیه: اسمه اسماعیل بن احمد (اصل: احمد بن اسماعیل)، صاحب شرح نصّ الناصر للحق - ع - المسمی بـ *الباهر*؛ و صاحب شرح *المورخ* (چنین است در اصل) للمؤید بالله (اصل: للم‌باله) و استاد السيد ابوطالب (اصل: السيد ط).

۱۱. حاشیه: اسمه محمد بن ادريس القریشی؛ و قبره فی مصر.

۱۳. حاشیه: اسمه علی بن اصفهان الديلمی؛ قيل إنَّه كان صاحب التوریه و الانجيل سفرتان.

۱۵. حاشیه: استاد بهاء‌الدین یوسف، صاحب *التفسير المدفون فی پاشیجا* (اصل: پاشیجا). و شهردوير بن یوسف الملقَّب بـ بهاء‌الدین (با توجه به جای حواشی در اصل نسخه، ظاهراً جملهٔ اخیر تنها برای یادآوری همانمیِ این دو «شهردوير» آمده است. «شهردوير» دوم مذکور در این حاشیه، فرزند بهاء‌الدین یوسف است و «شهردويرِ» نخست استاد بهاء‌الدین یوسف).

۱۶. حاشیه: صاحب *حاشیة المسائل*؛ المدفون فی لاهجان فی جانب پردسر و قبره مشهور الآن.

۱۷. حاشیه: قال العالم الفقيه حاجی حسن التنهيجی - رحمه الله - : و اما ابوالفضل الناصر فقد علَّه الفقيه حسین بن محمد بن صالح من جملة **المشايخ** و غيره من جملة **المتأخرين**. والله اعلم.

۱۸. حاشیه: و قبر (اصل: و القبر) السيد ابوالرضی فی أرض کيسم، و قبر السيد اشرف فی أرض تجن مشهور.

۱۹. حاشیه: استادِ شمس‌الدین محمد بن صالح؛ و قبره و قبر أبيه فی کوکلوه (چنین است در اصل. شاید «کوکلوه» صحیح باشد) - رحمه الله - .

پیوست ۲

نامنامه زوائد الإبانة به روایت عزالدین الهادی إلی الحق

در بخشی از نوشتاری که زیدیانِ قاسمی یمن (در قرن یازدهم) از خط عزالدین الهادی إلی الحق (۸۴۵- ۹۰۰ ق؛ امام زیدی یمن از شاخهٔ قاسمیه) نقل کرده‌اند^۱ و دانش‌پژوه به آن عنوان «مشیخه» داده و نخست در مقاله‌ای به سال ۱۳۵۰ ش و دیگر بار به سال ۱۳۵۷ در *فهرست دانشگاه* به چاپ رسانده،^۲ روایتی از نامنامهٔ *زوائد الإبانة* (منقول در پیوست ۱) دیده می‌شود.^۳ روایت گزارش‌گونهٔ الهادی إلی الحق از نامنامهٔ *زوائد الإبانة*، نشان می‌دهد که نسخه‌ای از *زوائد الإبانة* - قاعدتاً در هاشم *الإبانة* - در اختیار الهادی إلی الحق در یمن بوده است. به نظر می‌رسد نسخه‌ای از *زوائد الإبانة* که در دست الهادی إلی الحق بوده حاشیه‌هایی دربارهٔ افراد مذکور در این نامنامه داشته (همانند حاشیه‌های منقول در پانوشت‌های پیوست ۱)، و وی برخی از آن حواشی را با بخشی از متن نامنامه تلفیق و در روایت خود درج کرده است (در بندهای ۵ و ۶). روایت الهادی إلی الحق از نامنامهٔ *زوائد*، تفاوت‌ها و افزوده‌هایی^۴ نسبت به نامنامهٔ نسخهٔ دانشگاه (منقول در پیوست ۱) دارد که بعضاً مهم است.^۵

در ذیل، بخشی را که عزالدین الهادی إلی الحق از نامنامهٔ آغاز *زوائد الإبانة* نقل کرده، بر اساس متن چاپ‌کردهٔ دانش‌پژوه^۶ می‌آوریم. بخش‌بندی و نشانه‌گذاری متن از ماست؛ و در کمانک‌ها به نادرستی‌های ضبط اصل (به واسطهٔ نقل دانش‌پژوه) یا تردید در صحت آن و همچنین ذکر ضبط اصل در مواردی که نشانه‌های اختصاری را به صورت کامل بازگردانیده یا رسم‌الخط نسخه را تغییر داده‌ایم، اشاره کرده‌ایم.

و قال فی اول کتاب *زوائد الإبانة* - ما لفظه فی هامشها - :

فصل

و اعلم أنَّ صاحب *زوائد الإبانة* - الفقیه شمس‌الدین محمد بن صالح الجیلانی - قال:

[۱] إذا ذكرت **القاسمية** (اصل: القسمية)، غُنی بهم: القاسم (اصل: القسم) و من رای رأیه من الأئمة و من فقهاءهم و محصلیهم.

[۲] وإذا ذكر **السادة**، غُنی بهم: جميع من رای رأى القاسم (اصل: القسم) من السادات مثل ابوالعباس الحسنی (اصل: مثل ع) و السید ابوطالب (اصل: و ط) و المؤید بالله (اصل: م بالله) و غیرهم من الهادی و اولاده.

[۳] وإذا اطلق **الشیخ**، غُنی به: صاحب *الإبانة* الشیخ اباجعفر محمد (اصل: اباجعفر بن محمد) بن یعقوب الهوسمی.

[۴] وإذا ذكر **المشایخ**، غُنی بهم: صاحب *المسفر* محمد بن علی الإبرانی (اصل: الابوابی)، و شیبۀ بن محمد، و صاحب *الهدایة* ابوطالب الفارسی، و ابالفوارس ابن‌زفارة، و علی بن بلال، و ابالقاسم البستی.

[۵] و بعد، من جملهٔ **المشایخ**: السیدان الامامان ابو عبدالله صاحب *المرشد*، و ابوالفضل الناصر - و هو من اولاد الناصر للحق - .

[۶] وإذا ذكر **المتأخرین**، غُنی بهم: الشیخ الحافظ علی بن اصفهان، و ابنه الفقیه ابامنصور، و الفقیه شهرآشوبه بن شهردویر ابن الشیخ ابی‌ثابت کورکیر (اصل: ابن الشیخ ابن ثابت کوبری بحمر)، و الفقیه جمال‌الدین - و اسم‌ه یوسف (اصل: ابویوسف) ابالمحاسن - ، و ابنه الفقیه بالرضی شهردویر (اصل: شهرور) بن علی، و ابن‌اخیه نورالدین الفقیه مهدی بن ابی‌طالب، و الفقیه ابومحمد باجویه، و ابنه الفقیه محمد - و کنیت‌ه ابوجعفر - ، و الشیخ شمس‌الدین محمد بن صالح - (اصل: و الفقیه ابومحمد و اخوته و کنیت‌ه ابوجعفر و ابنه الفقیه محمد و هو شیخ شمس‌الدین محمد بن صالح)، و الفقیه مردومه جوانی (چنین است در اصل)، و الفقیه جمال‌الدین مولی دوست بن دمکه (چنین است در اصل)، و من کان فی طبقتهم من الفقهاء الناصریه.

[۷] وإذا ذكر **السیدین**، غُنی بهما: اباطالب و ابالعباس.

۱. سرآغاز این نوشتار چنین است: «اما بعد فهذه نبذة نذكر فيها اعياناً من اصحابنا الذين تدور ذكرهم في علم الحلال و الحرام من علماء القاسمية و الناصرية» (دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۲).

۲. نک: همو ۱۳۵۰: ۱۶۵-۱۷۸؛ همو ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۲-۱۳۰.

۳. نک: همو ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۷-۱۲۸. دانش‌پژوه ظاهراً تَفَطَّن نیافته که این بخش از نوشتار مذکور، روایتی دیگر از همان نامنامهٔ منقول در پیوست ۱ است.

۴. برای نمونه در بند ۶ از روایت الهادی إلی الحق، نام نورالدین الفقیه مهدی بن ابی‌طالب آمده که در روایت پیوست ۱ نام او دیده نمی‌شود. برای نقلی از این نورالدین در *زوائد*، نک: هوسمی، *الإبانة*، هاشم: ص ۵۶۳.

۵. روایت الهادی الی الحق دچار تقدیم و تأخیرهایی در مقایسه با متن منقول در پیوست ۱ است. در حقیقت، نامنامهٔ پیوست ۱ با بند ۶ از روایت الهادی الی الحق (پیوست ۲) پایان می‌یابد. متن پیوست ۱، البته ساختاری منطقی‌تر دارد و ترتیب آن بی‌تردید اصیل‌تر است.

۶. دانش‌پژوه ۱۳۵۷: ۱۶ / ۱۲۷ (ستون ۲) - ۱۲۸ (ستون ۱).

[٨] وإذا ذكر الأخوين، غنى بهما: المؤيد و ابطالاب.

[٩] وإذا قال عندنا، غنى جميع اهل البيت إذا لم يذكر خلاف واحد منهم.

[١٠] وإذا ذكر الفقهاء، غنى بهم: جميع فقهاء السنة.

[١١] وإذا ذكر الفريقين، غنى بهما: الشافعية و الحنفية.

[١٢] وإذا ذكر فقهاء الأمصار، غنى بهم: الفقهاء الذين لهم أصحاب يحصلون و يأخذون بمذهبهم، مثل ابوحنيفة (اصل: ح) و مالك (اصل: ك) و شافعي (اصل: ش) و احمد.

منابع و مراجع

- ابراهیم بن قاسم بن المؤید بالله، *طبقات الزیدیه الكبرى (القسم الثالث: بلوغ المراد إلى معرفة الأسناد)*، به کوشش عبدالسلام بن عباس الوجیه، عمّان، ۱۴۲۱ ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، به کوشش محمدرضا تجدد، تهران، چ دوم، ۱۳۹۳ ق.
- افندی، میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به کوشش سید احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق.
- انصاری، حسن، ۱۳۸۶ ش، «کتابی تازه‌یاب از ابوالحسین هارونی»، در: وینوشت بررسی‌های تاریخی (ansari.kateban.com)، ۱۷ فروردین.
- همو، ۱۳۸۹ ش، «تفسیر کتاب‌الله، متنی از کدامین دوران: نیمهٔ سدهٔ هفتم یا اواخر سدهٔ هشتم؟»، در: پیشین، ۲۰ تیر.
- جُنداری، احمد بن عبدالله، ۱۴۲۴ ق، «تراجم الرجال المذكورة فی شرح الازهار»، *المنتزع المختار من الغیث المدرار*، عبدالله ابن‌مفتاح، جلد اول، صعه.
- حائری، عبدالحسین، ۱۳۴۶ ش، *فهرست [نسخه‌های خطی] کتابخانهٔ مجلس شورای ملی*، جلد هفتم، تهران.
- حسینی، سید احمد، ۱۳۷۳ ش، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی*، جلد بیست‌وسوم، قم.
- حسینی اشکوری، سید جعفر (و) سید صادق حسینی اشکوری، ۱۳۸۰ ش، *فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی – قم*، جلد سوم، قم.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۵۰ ش، «دو مشیخهٔ زیدی»، *نامهٔ مینوی*، به کوشش حبیب یغمایی – ایرج افشار – با همکاری محمد روشن، تهران.
- همو، ۱۳۵۷ ش، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*، جلد شانزدهم، تهران.
- دیلمی، ابوالفضل [عباس] بن شهردویر، *تفسیر کتاب‌الله*، چاپ نسخه‌برگردان، با مقدمهٔ سید محمد عمادی حائری، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- رحمتی، محمدکاظم، ۱۳۸۶ ش، «روابط زیدیه و امامیه با تکیه بر کتاب المحيط بأصول الإمامة»، *جشن‌نامهٔ دکتر محسن جهانگیری*، به کوشش محمد رئیس‌زاده – فاطمه مینایی – سید احمد هاشمی، تهران.
- همو، ۱۳۸۹ ش، «پراکنده‌ها»، *پیام بهارستان* (دورهٔ دوم، پیاپی ۸)، تابستان.
- رضازاده لنگرودی، رضا، ۱۳۷۵ ش، «حسن أطروش»، *دانشنامهٔ جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد سیزدهم، تهران.
- سرخه‌ای، احسان، ۱۳۸۴ ش، «کتاب مسائل در نگارش‌های حدیثی، با تأکید بر مسائل علی بن جعفر»، علوم حدیث، (س ۱۰، ش ۳–۴، پیاپی ۳۷–۳۸)، پاییز – زمستان.
- سزگین، فؤاد، ۱۳۸۰ ش، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ترجمه و آماده‌سازی مؤسسهٔ نشر فهرستگان، زیر نظر خانهٔ کتاب، تهران.
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، *مسائل الناصریات*، به کوشش مرکز پژوهش مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۴۱۷ ق.
- صدرایی خویی، علی، ۱۳۷۶ ش، *فهرست نسخه‌های خطی مدرسهٔ نمازی خوی*، تهران.
- صفار قمی، محمد بن حسن بن فروّخ، *بصائر الدرجات*، به کوشش محسن کوچه‌باغی تبریزی، قم، چ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- طهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۳ ق، *الدریعه*، بیروت، چ سوم.
- عمادی حائری، سید محمد، ۱۳۸۲ ش، «فرقهٔ ناصریه»، معارف (س ۲۰، ش ۱، پیاپی ۵۸)، فروردین – تیر.
- همو، ۱۳۸۴ ش، «بیان الادیان و نکته‌هایی دیگر»، *آینهٔ میراث* (س ۳، ش ۲، پیاپی ۲۹)، تابستان.
- همو، ۱۳۸۸ ش، «مقدمه»، نک: دیلمی.
- مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۷۶ ش، «بُستی، ابوالقاسم»، *دانشنامهٔ جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد سوم، تهران.
- همو، ۱۳۷۷ ش، «تشیع: امامیان و زیدیان»، *فرقه‌های اسلامی*، ویلفرد مادلونگ، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران.
- همو، ۱۹۸۷ م، «Introduction»، *أخبار الأئمة الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان*، به کوشش ویلفرد مادلونغ، بیروت.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین، ۱۳۸۶ ش، مکتب در *فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمهٔ هاشم ایزدپناه، ویرایش سوم، تهران.
- مسعودی، علی بن حسین، *التنبیه و الاشراف*، بیروت، بی‌تا.

۳۰. همو، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قم، ۱۴۰۴ق.

۳۱. ناصر خسرو قبادیانی، *زاد‌المسافر*، به کوشش سید محمد عمادی حائری، تهران، ۱۳۸۴ ش.

۳۲. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)*، به کوشش سید موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق.

۳۳. وجیه، عبدالسلام [بن] عباس، ۱۴۲۲ ق، *مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی الیمن، عمان*.

۳۴. هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین، *الإفاده فی تاریخ الأئمة السادة*، به کوشش محمدکاظم رحمتی، تهران، ۱۳۸۷ ش.

۳۵. هوسمی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الإبانة*، همراه با *زوائد الإبانة* در هامش، نسخه خطی شماره ۲۳۵ مجموعه امام جمعه خویی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران).^۱

۱. در مواردی محدود که به نسخه‌های دیگر *الإبانة* (نسخه خطی شماره ۶۶۲۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ نسخه خطی شماره ۹۱۸۹ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی- قم؛ نسخه عکسی شماره ۲۱۲۵ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، که اصل آن در کتابخانه چستریبتی محفوظ است) ارجاع داده‌ایم، نام کتابخانه محل نگهداری نسخه را یاد کرده‌ایم.

Kitāb-al-Ṣalāt, Kitāb-al-Da`āwī-va'l-Bayyināt, Kitāb-al-Siyar

From

Al-Ibāna

Authored by

Abū Ja`far Muḥammad bin Ya`qūb Hausamī

(d. 455 A.H.)

Along with

Zawā'id-al-Ibāna

Authored and Improved by

Shamsuddīn Muḥammad bin Ṣāliḥ Gīlānī

(Alive in ca. 700 A.H.)

**Facsimile in the original size of the MS. No. 235 of Imām Jum`a-i-Khuyī's Collection
preserved in the Islamic Consultative Assembly's Library**

(Scribed in 8th century A.H.)

With the Introduction by

Sayyid Muḥammad `Emādī Ḥā'irī

Introduction

Ḥasan bin `Alī bin Ḥasan known as Nāṣir-i-Kabīr is one of the great men of Zaidī sect of third and fourth centuries in Ṭabaristān and Dailamān and master of canonical and doctrinal school in northern Iran which has been called “Nāṣirīya” after his name. The canonical opinions of Nāṣir-i-Kabīr have been specially given attention and referred by Zaidi ulema of northern Iran and particularly Nāṣirī jurisprudents, as in the fifth century A.H. the works like *Kitāb-al-Hāṣir* by Almu`ayyid Billāh Abulḥusain Hārūnī, *Kitāb-al-Bāhir* by Abulqāsim Bustī and *Almughnī* by `Alī bin Pīr Mard Lāhījānī on his canonical opinions were written and compiled. But the most important work in the field of canonical opinions of Nāṣir-i-Kabīr is *Al-Ibāna* written by the renowned Nāṣirī jurisprudent Abū Ja`far Muḥammad bin Ya`qūb Hausamī which from the time of its writing in 5th century to two three centuries later was taken into consideration by Nāṣirī jurisprudents and students of northern Iran as an educational text. Many commentaries and marginal notes have been written on it and numerous manuscripts of this book have remained behind.

In order to make available a sample of the text of *Al-Ibāna* and its commentaries and marginal notes to the research scholars and the special structure of its manuscripts too is visualized in a tangible form for the reader, “*Kitāb-al-Ṣalāt*”, “*Kitāb-al-Da`āwī va`l-Bayyināt*” and “*Kitāb-al-Siyar*” parts have been published in the original size of the old manuscript of *Al-Ibāna* preserved in the Islamic Consultative Assembly’s Library (MS. No. 235 of Imam Jum`a-i-Khuyi’s Collection) in the facsimile form and the photo of whole manuscript has been presented in a CD. The above mentioned parts, due to the importance of the subjects discussed in them, have been selected for facsimile copy so that according to their contents a better opportunity is found for more minute analysis of Nāṣirī Zaidī’s devotional, social and doctrinal opinions and teachings. “*Kitāb-al-Ṣalāt*”, “*Kitāb-al-Da`āwī va`l Bayyināt*” and “*Kitāb-al-Siyar*” are placed on pp. 117 - 265, 903 – 956 and 1057-1083 of the manuscript respectively. The numbers in red colour which are placed on the margin of pages are also according to the original manuscript. The manuscript belonging to Majlis (Assembly) Library is void of the name of scribe and date of calligraphy but Abdulhusain Haeri who has catalogued the manuscript, has considered it to belong to 8th century A.H.

In the introduction written for the present facsimile edition, the writer by making research on the MS. of *Al-Ibāna* preserved in Majlis Library gives a detailed description of this important canonical text and specially mentions its sources and references which are totally the original works of Nāṣir-i-Kabīr and most of them are not available today. The references about the canonical texts of ancient Nāṣirī's, Abū Ja`far Hausamī and his works, Hausamī's commentary on *Al-Ibāna*, three manuscripts of written tradition of northern Iran's Nāṣirī's, Hausamī's methodology in *Al-Ibāna* and its important points, writings about *Al-Ibāna* and the tradition of its teaching and learning and a short introduction of *Zawā'id-al-Ibāna* by Muḥammad bin Ṣāliḥ Gīlānī with two appendices are among other parts of this introduction.

Sayyid Muḥammad `Emādī Hā'irī